



توراه اور • پاراشاها ויצא • مامار 2

ביאור על הנ"ל

شرح مطالب پیش گفته



يعقوب (יעקב)، که نامش يود (י"ד، yud) را به عَقَب (עקב، akev) پیوند می دهد، نور بی پایان (אור אין סוף، Or Ein Sof) را که بر فراز همه عوالم است، تا پایین ترین مرتبه فرومی آورد: او با برکشیدن «سنگ های» بی جان، یعنی حروف و حکمت (חכמה، Chochmah) خودنفی گر نفس، و با فرود آمدن به حاران (חרן، Charan) برای دگرگون ساختن تاریکی آن، حتی پایین ترین مرتبه را به «خانه نام اَلکیم» بدل می کند؛ تا آنجا که در آینده، حتی نام چهارحرفی (ה', Havayah)، آن گاه که عوالم را پر می کند، در برابر نور مکشوف بی پایان، تنها پوششی به شمار خواهد آمد: اَلکیم (نام اَلکیم، Elokim).

تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/2

مقصود اصلی

یعقوب (יעקוב)، که نامش یود (יוד، yud) را به عَقَب (עקב، akev) پیوند می‌دهد، نور بی‌پایان (אור אין סוף، Or Ein Sof) را که بر فراز همهٔ عوالم است، تا پایین‌ترین مرتبه فرومی‌آورد: او با برکشیدن «سنگ‌های» بی‌جان، یعنی حروف و حکمت (חכמה، Chochmah) خودنفی‌گر نفس، و با فرودآمدن به حاران (חרן، Charan) برای دگرگون‌ساختن تاریکی آن، حتی پایین‌ترین مرتبه را به «خانهٔ نام اَلِکِیم» بدل می‌کند؛ تا آنجا که در آینده، حتی نام چهارحرفی (הי، Havayah)، آن‌گاه که عوالم را پر می‌کند، در برابر نورِ مکشوفِ بی‌پایان، تنها پوششی به شمار خواهد آمد: **اَلِکِیم** (نام اَلِکِیم، Elokim).

در هر بخش: متن عبری، سپس ترجمه، و پس از آن توضیحی کوتاه زیر خطی طلایی. شماره‌های کوچک در متن عبری، یادداشت‌های پایان متن هستند.

خلاصهٔ مامار

این مامار دو پرسش دربارهٔ نذرِ یعقوب مطرح می‌کند: چگونه ممکن است ה' به «الوهیم» بدل شود، و چگونه سنگ می‌تواند به «خانهٔ الوهیم» تبدیل شود؟ پاسخ، از رهگذر شخصیتِ یعقوب و پیوندِ یود با عَقَب، بیان می‌شود؛ از طریق او ۳۷۰ نورِ برین (ש"ע נהורין، shaa nehorin) و نورِ بی‌پایانِ بر فراز زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) به هر نفسِ یهودی می‌رسند. سنگ‌هایی که یعقوب برداشت، حروف‌اند؛ آن‌ها در برابر معنایی که در خود جای می‌دهند، بی‌جان‌اند، همان‌گونه که تمام آفرینش در پیشگاهِ ה' تنها یک حرف است. درست از آن رو که حروف بی‌جان‌اند، می‌توان آن‌ها را تا بالاترین مرتبه، یعنی نورِ فراگیری که همهٔ عوالم را دربرمی‌گیرد (סוד כל עלמין، sovev kol almin)، برکشید. تنها یود، که ظرفِ حکمتِ خودنفی‌گر است، چنین نیرویی دارد؛ و ستون و روغن، مراحلِ بعدی را وصف می‌کنند: صعود به سیزده صفتِ رحمت و فرودآوردنِ حکمتِ برین در تورات، که باید با هبیتی چون هبیتِ سینا آموخته شود. فرودآمدنِ یعقوب به حاران، آن «گلو»ی بسته‌ای که پوسته‌ها (קליפות، kelipos) از آن نیرو می‌گیرند، برای دگرگونیِ آن است: حاران به رِنا، یعنی سرود (רנה، rinah)، بدل می‌شود و خندهٔ اسحاق (יצחק) را به ارمغان می‌آورد. در آینده، هنگامی که شرّ دگرگون شود، خودِ نورِ بی‌پایان آشکار خواهد شد؛ سنگِ برکشیده سکونتگاهی برای ה' خواهد بود، و هر صعودِ بی‌پایان از یک «عُشر»، یعنی خودنفی‌گریِ تاج (כתר، Keser)، خواهد گذشت.

طرح کلی

- 1 پرسش‌ها و نام یعقوب**
چگونه ممکن است ה' به الوهیم بدل شود و سنگ به خانه‌ای برای الوهیم؟ یعقوب «نجات‌ها»ست: از طریق او ۳۷۰ نور و همهٔ فیضان‌های الهی فرومی‌آیند.
2-11
- 2 نورِ فراتر از زنجیرهٔ عوالم**
عوالم از پرتویی منقبض‌شده نیرو می‌گیرند؛ اما از طریق یعقوب، خودِ نورِ بی‌پایان، که بر فراز همهٔ عوالم است، بر هر نفسِ یهودی می‌تابد.
31
- 3 سنگ‌ها، حروف‌اند**
حروف همچون سنگ‌ها معنا را در خود جای می‌دهند، همان‌طور که سنگ‌ها خانه‌ای برای آدمی می‌شوند؛ و در برابر آن معنا بی‌جان‌اند. تمام آفرینش در پیشگاهِ ה' یک حرف است. حروف چون بی‌جان‌اند، می‌توانند تا نورِ فراگیر برکشیده شوند؛ همان‌گونه که پایانِ دایره به آغاز آن می‌پیوندد.
5-41

تنها یود، ظرف حکمتِ خودنفی‌گر، برکشیده می‌شود؛ ستون، صعودی دیگر به سوی سیزده صفتِ رحمت است (یودها و واوها). توضیحی در حاشیه بیان می‌کند که چرا واو در اینجا از یود بالاتر است و روغن را به‌منزلهٔ فیضانی از ذهنِ نهان به احکامِ توراتِ شفاهی شرح می‌دهد.

مقصود، روغن است: حکمتِ برین که در تورات فرومی‌آید، حتی در احکامِ آن دربارهٔ امورِ دنیوی. با آگاهی از این حقیقت، آدمی تورات را با هیبتِ سینا می‌آموزد؛ زیرا در برابرِ نورِ بی‌پایان چیزی پنهان نیست.

یعقوب از سرچشمهٔ صفاتِ خودنفی‌گر به حاران فرود می‌آید؛ حاران، گُلوی گرفته‌ای است که در آن فیضان بسته می‌شود، همچون دورانی تبعید و مطالعهٔ خودمحور. هدف، دگرگون‌ساختنِ آن است: حاران به رِنا، سرود، بدل می‌شود و شادیِ اسحاق با آمدنِ **משיח** (Moshiach) آشکار خواهد شد.

بازگشت از راهِ صلح صورت می‌گیرد؛ صلحی که اضداد را به هم می‌پیوندد. در آینده خودِ نورِ بی‌پایان آشکار خواهد شد؛ پس **ה'** در عوالم همچون الوهیم خواهد بود و حروفِ برکشیده به خانه‌ای برای الوهیم بدل خواهند شد.

هر صعود آینده به باقی‌مانده‌ای از مرتبهٔ پیشین نیاز دارد تا همچون برانگیختگی از پایین، «عُشر»، عمل کند. یادداشتی میان‌پرانتزی این را تاج، یعنی **כתר**، می‌داند: خودنفی‌گریِ خاموش میانِ مراتب، که دوچندان است زیرا تاج دو **פרצופים** (partzufim) دارد.

یعقوب در مقام یود-عَقَب 'עקב — יו"ד עקב

نام یعقوب به یود (بالاترین نقطه) و عَقَب (پاشنه) تقسیم می‌شود: او نوری را که بر فراز همهٔ عوالم است تا پایین‌ترین مرتبه فرومی‌آورد.

۳۷۰ نور ש"ע נהורין

نورهای برین که حروفِ ש"ע در «نجات‌ها» (ישועות، yeshuos) به آن‌ها اشاره دارند و از طریقِ یعقوب آشکار می‌شوند.

حروف همچون سنگ‌ها אבנים הן אותיות

بر پایهٔ سفر یتسیراه (ספר יצירה)، حروف «سنگ»‌اند: همان‌گونه که سنگ‌ها خانه‌ای برای آدمی می‌شوند، حروف معنا را در خود جای می‌دهند؛ و در برابرِ آن بی‌جان‌اند. درست به همین دلیل می‌توان آن‌ها را تا بالاترین مرتبه برکشید.

حکمت در مقام نیروی «چه» חכמה — כ"ה מ"ה

حکمت را می‌توان «نیروی چه» خواند: هستهٔ خودنفی‌گرِ ذهن و نفس، و تنها ظرفی که نورِ بی‌پایان در آن جای می‌گیرد.

یودها و واوها יודי"ן ווי"ן

در تصویرِ قبالییِ سیزده صفتِ رحمت، نقطهٔ سرچشمهٔ هر موی، یود است و مویِ امتدادیافته، واو؛ مامارِ سنگِ یعقوب را که «بر سرِ او» بود و سپس «ستونی» شد، بر این دو منطبق می‌کند.

حاران و رِنا חרן — רנה

حاران، گُلوی «خشک»‌شده‌ای است که در آن فیضان الهی بسته می‌شود و پوسته‌ها از آن نیرو می‌گیرند؛ این مکان به رِنا، سرود، بدل می‌شود، همان‌طور که **chet** (ח) به **hei** (ה) گشوده می‌شود.

فروشناندن و دگرگون‌سازی אתכפיא ואתהפכא

فروشناندنِ سویی دیگر (סטרא אחרא، sitra achra) و سپس بدل‌کردنِ تاریکیِ آن به نور؛ این کار «خندهٔ» اسحاق را به ارمغان می‌آورد و مقصودِ فروآمدن است.

ה' و الوهیم הוי' ואלקים

ה' نورِ درونی‌ای است که حیات می‌بخشد؛ الوهیم پوششی است که آن را می‌پوشاند. در آینده، حتی **ה'**، آن‌گاه که عوالم را پر می‌کند، در برابرِ نورِ مکشوفِ بی‌پایان تنها «الوهیم» خواهد بود.

عُشر به‌مثابهٔ تاج מעשר — כתר

باقی‌ماندهٔ هر مرتبه که صعودِ بعدی را برمی‌انگیزد؛ این همان تاج است، یک‌دهمِ ده مراتبِ تجلی (ספירות، Sefiros)، که خودنفی‌گریِ خاموشِ آن به یک عالم امکان می‌دهد به عالمِ بالاتر صعود کند.

پرسش‌ها و نام یعقوب

1. ביאור על הנ"ל¹

شرحی بر مطالب پیش گفته

این عنوان نشان می‌دهد که این گفتار، شرحی دیگر بر گفتار پیشین در توراه اور (تורה اور) دربارهٔ پاراشای وایتسه است. این گفتار همان آیات مربوط به سفر یعقوب (יעקב) و سنگی را که برپا کرد، بررسی می‌کند و ژرف‌تر می‌کاود.

2. והיה הוי"ה לי לאלקים והאבן הזאת אשר שמתי מצבה יהיה בית אלקים².³ להבין ענין תפלה ובקשה

זו שהוי"ה יהי [יהיה] בבחי' אלקים והאבן בבחי' בית אלקים.

«و نام چهارحرفی (ה', Havayah) برای من همچون نام اَلِکِیم (אלקים, Elokim) خواهد بود، و این سنگی که آن را چون ستونی برپا کرده‌ام، خانهٔ اَلِکِیم خواهد شد.» [باید] معنای این دعا و درخواست را دریابیم: آن‌که ه' در مرتبهٔ اَلِکِیم باشد و سنگ در مرتبهٔ خانهٔ اَلِکِیم.

نذر یعقوب (יעקب) در بیت‌آل، در خوانش ساده، می‌گوید: «ه' برای من اَلِکِیم خواهد بود.» مَعْمَر این عبارت را درخواستِ آن می‌داند که نام ه'، در مقام فراتریش از جهان، به مرتبهٔ اَلِکِیم، یعنی به مقام حضور در طبیعت، درآید؛ و سنگی که یعقوب برپا کرد، مسکنگاهی برای ه' شود. هر دو بخش آیه نیازمند تبیین‌اند.

وکדי להבין⁴ איך תהיה האבן במדרגה גדולה כ"כ [כל כך] להיות מכון ומשכן להשראת קדושה עליונה

עד שיהיה חל שם שמים על האבן שתהיה נק' בשם בית אלקים. הנה צריך להבין ענין הפרשה כולה

ויצא יעקב⁵ כו'

و برای فهمیدن این‌که چگونه سنگ می‌تواند به مرتبه‌ای چنین بلند برسد که جایگاهی استوار و مسکنگاهی برای فرودِ قدوسیت برین باشد، تا آن‌جا که نام آسمان بر سنگ قرار گیرد و آن «خانهٔ اَلِکِیم» خوانده شود، باید معنای کل این بخش از تورات، «و یعقوب بیرون رفت»، و جز آن را دریابیم.

پرسش دوم این است: سنگ، پست‌ترین و بی‌جان‌ترین نوع ماده است. چگونه می‌تواند جایگاهی شود که قدوسیت برین بر آن قرار گیرد، تا آن‌جا که به نام اَلِکِیم، «خانهٔ اَلِکِیم»، خوانده شود؟ Alter Rebbe می‌گوید برای پاسخ‌گویی، نخست باید کل پاراشا را بفهمیم، از عبارت «و یعقوب بیرون رفت» به بعد.

והענין דכתיב צוה ישועות יעקב⁶ בחי' יעקב נקרא ישועות

מطلب [این است]: نوشته شده است: «رهایی‌های یعقوب را فرمان ده.» مرتبة یعقوب «رهایی‌ها» (ישועות, yeshuos) نامیده می‌شود.

او با آیه‌ای از تهیلیم (תהילים) آغاز می‌کند: «رهایی‌های یعقوب را فرمان ده»؛ این آیه نام یعقوب را با واژه yeshuos. یعنی رهایی‌ها، پیوند می‌دهد: مرتبة خود یعقوب «رهایی‌ها» نامیده می‌شود.

וביאור מלת ישועות הנה שרש התיבה הוא ש"ע [ש"ע (370)] ושאר אותיות הם נוספות בתיבה כלומר

שע"י בחינת יעקב מתגלית ש"ע [ש"ע (370)] נהורין⁷ עילאין

و درباره واژه yeshuos: ریشه واژه ש"ע (shin-ayin) است [که ارزش عددی اش ۳۷۰ است] و حروف باقی‌مانده افزوده‌هایی به واژه‌اند. یعنی از طریق مرتبة یعقوب، ۳۷۰ نور برین (ש"ע נהורין עילאין, shin-ayin nehorin ila'in) آشکار می‌شوند.

واژه ישועות به صورت ریشه ש"ע، با حروفی افزوده، خوانده می‌شود. ש"ע ارزش عددی ۳۷۰ دارد و یادآور آموزه قبالایی درباره ۳۷۰ نور برین است. پس «رهایی‌های یعقوب» یعنی یعقوب مجرای است که این نورهای بلندمرتبه از طریق او آشکار می‌شوند.

וגם ש"ע הוא מלשון וישע ה' אל הבל⁸ שהוא לשון הפנה דהיינו שכל פינות והמשכות עליונות פונות

ונמשכות ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב.

و نیز ש"ע از تعبیر «و ה' به هابیل (הבל) روی آورد» گرفته شده است؛ این تعبیر، روی آوردن [به سوی کسی] را می‌رساند. یعنی همه روی آوردن‌ها و جریان‌های برین، از طریق مرتبة یعقوب روی می‌آورند و فرود می‌آیند؛ [که همان] یוד-עקב (יו"ד עקב, yud-akev) است: یود [و] پاشنه.

خوانش دوم ש"ע این است: در عبارت «و ה' به هابیل و قربانی‌اش روی آورد»، וישע (vayisha, «روی آورد») همان حروفی را دارد که معنای روی آوردن به سوی کسی و توجه کردن می‌دهند. همه «روی آوردن»‌های ה' به سوی جهان، یعنی جریان‌های نور او به پایین، از طریق یعقوب می‌گذرند. نام یعقوب به یود، نخستین حرف آن، و عקב، یعنی پاشنه، بخش می‌شود: یود، بلندترین نقطه، تا پاشنه، پایین‌ترین بخش، امتداد می‌یابد.

نورِ فراتر از زنجیرهٔ عوالم

3 وعنین نهורין והמשכות הללו היינו גילוי ההארות והמשכות מאור א"ס עצמו שכשמו כן הוא אין לו סוף כו'.

و مقصود از این نورها و امتدادهای فرودآورده، آشکارشدنِ تابش‌ها و امتدادها از خودِ نورِ بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) است؛ نوری که چنان‌که نامش نشان می‌دهد، بی‌پایان است، و غیره.

«نورها» و «امتدادهای فرودآورده» آشکارشدنِ خودِ نورِ بی‌پایانند. نامش، «بی‌نهایتِ مطلق» (این سوف, Ein Sof)، حقیقتِ آن را دقیقاً وصف می‌کند: بی‌کران است.

واינו בגדר עלמין כלל וכולא קמיה כלא ממש חשיב ולית מחשב' תפיסא ביה ואין ערוך אליו כו'.

و اصلاً در چارچوبِ عوالم نمی‌گنجد؛ «همه‌چیز در برابر او حقیقتاً هیچ به‌شمار می‌آید»، و «هیچ اندیشه‌ای او را در نمی‌یابد»، و هیچ چیزی هم‌ترازِ او نیست، و غیره.

نورِ بی‌پایان اصلاً به مقولهٔ عوالم تعلق ندارد. در قیاس با آن، همه‌چیز هیچ است، هیچ اندیشه‌ای به آن راه نمی‌یابد و هیچ چیزی با آن سنجیدنی نیست.

כי מלכותך מלכות כ"ע [כל עלמין]⁹ והודו וזיוו על ארץ ושמים כו' זיו והארה בעלמא המתלבש' ומתפשטת בתוך עלמין

زیرا «فرمانروایی تو فرمانروایی همهٔ عوالم است» و «جلال او» و فروغش «بر زمین و آسمان است»، و غیره: تنها پرتویی و روشنایی‌ای است که درونِ عوالم پوشیده می‌شود و گسترش می‌یابد،

آنچه عوالم را پر می‌کند، تنها پرتویی از نورِ ה' است. «فرمانروایی» ה'، یعنی نسبتِ او با عوالم به‌منزلهٔ پادشاهِ آن‌ها، «جلال» و «فروغی» صرف بر زمین و آسمان خوانده می‌شود: درخششی که در عوالم پوشیده می‌گردد، نه خودِ سرچشمه. آتُر ربه (ادمو"ר הזקן) واژهٔ «فروغ» را به آیه می‌افزاید تا این نکته را روشن کند.

להוות' [להוותם] ולהחיותם להיות חיים וקיימים מאין ליש בבחי' העלם והסתר اور א"ס ב"ה עצמו שלא יבטלו העולמות במציאות ויחזרו להיות אין ואפס כמו שהיו

تا آن‌ها را پدید آورد و به آن‌ها حیات ببخشد، تا زنده و پایدار باشند و از نیستی به هستی آیند؛ آن هم به‌نحوِ نهان‌بودن و پوشیده‌ماندنِ خودِ نورِ بی‌پایان، که متبارک باد، تا عوالم از هستی ساقط نشوند و به نیستی و عدم بازنگردند، چنان‌که [پیش از آن] بودند؛

این پرتو عوالم را پدید می‌آورد و از نیستی به آن‌ها حیات می‌بخشد. باید به‌نحوِ پوشیده فرود آید: اگر خودِ نورِ بی‌پایان آشکار می‌شد، عوالم از هستی ساقط می‌شدند و به نیستی بازمی‌گشتند، چنان‌که پیش از آفرینش بودند.

דהיינו ע"י כמה צמצומים והתלבשות שונות בירידת המדרגות כדרך וסדר ההשתלשלות אבל אור א"ס ב"ה בעצמו ובכבודו רם ונשא כו' והוא למעלה מעלה מבחינת ההשתלשלות

یعنی به واسطه انقباضهای گوناگون (צמצומים, tzimtzumim) و پوششهای مختلف، در فرودآمدن مرتبه‌ها، بر طبق راه و نظم زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus). اما نور بی‌پایان، که متبارک باد، در ذات و جلالِ خویش، بلندمرتبه و برتر است، و غیره، و بسیار بسیار فراتر از مرتبه زنجیره نزولِ عوالم قرار دارد.

این پوشیدگی از راه انقباضهای بسیار و پوششهای گوناگون، مرتبه پس از مرتبه در زنجیره عوالم، پدید می‌آید. نور بی‌پایان آن‌گونه که در خودِ خویش است، بلندمرتبه می‌ماند و بسیار فراتر از تمام این زنجیره قرار دارد.

וע"י בחי' יעקב יו"ד עקב¹⁰ נמשך אא"ס [אור אין סוף] ב"ה שלמעלה מבחי' ההשתלשלות שיאיר למטה בגילוי הנפש אלקות שבכל א' מישראל להיות גילוי אור א"ס ב"ה ממש על נפשו.¹¹

و به واسطه مرتبه یعقوب (יעקب)، یعنی «یود - پاشنه» (יו"ד עקב, yud-akev [یود-پاشنه])، نور بی‌پایان، که متبارک باد و فراتر از مرتبه השתלשלות است، فرود آورده می‌شود تا در پایین، با آشکارشدن در نفیس الهی (נפש האלקית, Nefesh Elohis) که در هر یک از یهودیان است، بتابد؛ تا خودِ نورِ بی‌پایان بر نفیس او آشکار شود.

نقش ویژه یعقوب این است: به واسطه او، نوری که از زنجیره عوالم فراتر است فرود آورده می‌شود تا آشکارا بر نفیس الهی هر یهودی بتابد. این همان یعقوب به منزله «یود - پاشنه» است: والاترین مرتبه به پایین‌ترین مرتبه می‌رسد.

بخش 3 • 41-5

سنگ‌ها، حروف‌اند

4 והיינו ע"י שלקח מאבני המקום וישם¹² מראשותיו. ابנים הן אותיות כמ"ש בס"י [בספר יצירה] שני ابנים¹³ בונות שתי בתים.

و این از آن‌روست که او «از سنگ‌های آن مکان گرفت و [آنها] را نزد سرِ خود نهاد». سنگ‌ها حروف‌اند، چنان‌که در سفر یصیرا (ספר יצירה) آمده است: «دو سنگ، دو خانه می‌سازند».

یعقوب (יעקב) با گرفتن «سنگ‌های آن مکان» و نهادنشان نزد سرِ خود، نورِ متعالی را به پایین می‌کشد. بنابر آموزه سفر یصیرا، که حروف را «سنگ» می‌نامد - دو حرف دو ترکیب می‌سازند و «دو سنگ، دو خانه می‌سازند» - این سنگ‌ها همان حروف‌اند.

והטעם שנקראו אותיות בשם אבנים הוא כי כמו שע"י כמה אבנים נבנה בית לשבת אדם כו' כך ע"י כמה צירופי אותיות נעשי' [נעשית / נעשים] תיבות ומכמה צירופי תיבות נעשה ענין שלם שמתוכו מובן ומושג איזה השכלה והשגה

و علت آنکه حروف را به نام «سنگها» می خوانند این است که همان گونه که با چند سنگ خانه ای ساخته می شود تا انسان در آن سکونت کند و مانند آن، با چندین ترکیب حروف، واژه ها ساخته می شوند؛ و از چندین ترکیب واژه ها، موضوعی کامل پدید می آید که از درون آن، مفهومی و دریافتی فهم و درک می شود.

نخستین دلیل آنکه حروف را سنگ می نامند این است که سنگها کنار هم نهاده می شوند تا خانه ای برای سکونت انسان بسازند؛ به همین ترتیب، حروف با هم ترکیب می شوند و واژه ها را می سازند، و واژه ها نیز متنی کامل پدید می آورند که از راه آن، اندیشه ای فهمیده می شود.

והרי השכל שורה ומתלבש באותיות הללו וכתפארת אדם לשבת בית¹⁴ ע"י צירופי אבנים

و عقل در این حروف جای می گیرد و در آنها پوشیده می شود؛ همچون «شکوہ انسان برای سکونت در خانه»، به واسطه ترکیب سنگها.

اندیشه در حروف «سکونت» دارد، همان طور که انسان در خانه ای ساخته شده از سنگها زندگی می کند؛ آلتز ربه عبارت «شکوہ انسان برای سکونت در خانه» را از ישعیا (ישعיהو) برگرفته است.

ויעוד טעם אחר¹⁵ כי כמו שהאבנים הם דומם ואין להם ערך ויחוס לאדם הדר בבית שנבנה מהאבנים כך האותיות הן בחי' דומם לגבי השכל השורה ומתלבש בהם ואין להם ערך ויחוס אליו

و دلیل دیگری نیز هست: همان گونه که سنگها بی جان اند و با انسانی که در خانه ساخته شده از آن سنگها زندگی می کند هیچ سنخیت یا نسبتی ندارند، حروف نیز در برابر عقل که در آنها جای می گیرد و در آنها پوشیده می شود، در مرتبه بی جان اند و هیچ سنخیت یا نسبتی با آن ندارند.

دلیل دوم این است که سنگها بی جان اند و با انسان زنده ای که در میانشان سکونت دارد هیچ وجه مشترکی ندارند. به همین ترتیب، حروف در قیاس با اندیشه ای که در خود حمل می کنند، گویی بی جان اند و با آن قابل سنجش نیستند.

ולכן בטלים הם לגבי השכל (ועמ"ש בפ' בראשית בד"ה להבין בתוספת ביאור ענין וייצר)¹⁶

ازاین رو، در برابر عقل، در حالت خودنهی گری (ביטול، bittul) هستند. (و آنچه در پاراشات برشیت، در مامار آغازشونده با «برای فهمیدن، با توضیحی افزوده درباره مفهوم "و او صورت داد"» آمده است، ملاحظه شود).

چون حروف در برابر اندیشه هیچ اند، کاملاً تابع آن هستند. عبارت داخل پرانتز خواننده را به ماماری در پاراشات برشیت ارجاع می دهد که درباره «و او صورت داد» است؛ در آنجا حروف مرتبه «بی جان» نفس خوانده شده اند.

ולכן נק' הוי' צבאות אות הוא בצבא דילי' [דיליה]¹⁷ שכל העולמות והברואי' [והברואים] נתהוו מבחי' אותיות שבעשרה מאמרות שנברא בהם העולם יהי אור יהי רקיע כו'.

و ازاین‌رو، او را «ה' צבאות» (Havayah Tzevakos) می‌خوانند [یعنی ه' צבאות]: «او نشانه‌ای (אות, OS) در میان سپاه خویش است»، زیرا همهٔ عوالم و آفریدگان از مرتبهٔ حروفِ ده گفتاری پدید آمده‌اند که جهان با آنها آفریده شد: «روشنایی باشد»، «گستره‌ای باشد» و جز اینها.

این عبارت نام «ה' צבאות» را توضیح می‌دهد: عبارتِ گمارا، «او نشانه‌ای (OS) در میان سپاهِ خویش است»، با معنای «حرف» برای OS خوانده می‌شود. همهٔ عوالم و آفریدگان از حروفِ ده گفتارِ آفرینش پدید آمده‌اند، مانندِ «روشنایی باشد»؛ پس ریشهٔ هر آفریده، حروفِ گفتارِ ه' است.

וכל צבא השמים העליונים אלף אלפין وربוא רבב¹⁸ ולגדודיו אין מספר¹⁹ הם בטלים לגבי אור א"ס
ב"ה כבטול האותיות שהן בחי' דומם לגבי השכל

و همهٔ سپاهِ آسمان‌های برین، «هزار هزار و ده‌هزار ده‌هزار»، و «سپاهیانِ او بی‌شمارند»، در برابرِ نورِ بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، متبارک باد، در حالتِ خودنفی‌گری‌اند، همانندِ حروفِ که در برابرِ عقل در مرتبهٔ بی‌جان‌اند.

حتی سپاه‌های عظیمِ آسمانی، که در دانیال (دنیال) به‌صورتِ هزاران هزار و ده‌هزاران ده‌هزار توصیف شده‌اند، در برابرِ نورِ بی‌پایانِ ه' در حالتِ خودنفی‌گری‌اند؛ همان‌گونه که حروف در برابرِ اندیشه هیچ‌اند.

מאחר שהם בחי' גבול ת"ק שנה כו' ונבראים ומחודשים מאין ליש הרי אין ערוך אליו ית'

ازآنجاکه آنها در مرتبهٔ محدودیت‌اند، [به اندازهٔ] پانصد سال و جز آن، و از نیستی به هستی آفریده و نوپدید شده‌اند، هیچ سنجشی با او، متبارک باد، ندارند.

آنها محدودند و حتی اندازه‌ای معین دارند، مانندِ «پانصد سال» که حکیمان فاصله‌های میانِ آسمان‌ها را با آن اندازه می‌گیرند (حگيگاه 13a)؛ و از نیستی آفریده شده‌اند. بنابراین، هیچ سنجشی میانِ آنها و ه' نیست.

וכנודע ענין הערך במספר²⁰ שמספר א' לגבי אלף אלפים כו' יש לו איזה ערך ויחוס

و چنان‌که در بابِ سنجشِ عددی شناخته شده است، عددِ یک در مقایسه با هزار هزار و مانند آن، نوعی سنجش و نسبت دارد؛

این مثالِ عددی نکته را روشن‌تر می‌کند: حتی یک در کنارِ یک میلیون نیز بخشی از آن است و ازاین‌رو با آن نسبتی دارد.

משא"כ אליו ית' שהוא א"ס ב"ה אין ערוך כלל ולכן נק' אות הוא בצבא דילי' [דיליה] שכל הצבאות אינן אלא בחי' אות א' לגבי אור א"ס ב"ה.

اما درباره او، متبارک باد، که بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof) است، چنین نیست؛ هیچ‌گونه سنجش و نسبتی در میان نیست. از این‌رو گفته می‌شود: «او حرفی در میان سپاه خویش است» (אות, os)، زیرا همه سپاهیان در برابر نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، چیزی جز یک حرف نیستند.

اما میان هر چیز محدود و بی‌نهایت، هیچ نسبتی وجود ندارد. از این‌رو حکیمان می‌گویند: «او حرفی در میان سپاه خویش است»؛ همه سپاهیان، در کنار هم، در برابر نور بی‌پایان چیزی بیش از یک حرف نیستند.

5 והנה באבני המקום שהם בחי' אותיות כתיב וישם מראשותיו²¹ שהגביה והעלה אותם למעלה מעלה מבחי' ההשתלשלות [ההשתלשלות] دهיינו לבחי' סוכ"ע

اکنون، درباره «سنگ‌های مکان» که مرتبه حروف‌اند، نوشته شده است: «و [آن‌ها را] نزد سرش نهاد»؛ یعنی آن‌ها را بسیار بسیار فراتر از مرتبه زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) بالا برد و رفعت بخشید؛ یعنی به مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin).

«آن‌ها را نزد سرش نهاد» یعنی یعقوب (יעקב) حروف را، که پایین‌ترین مرتبه‌اند، بسیار فراتر از سراسر زنجیره عوالم بالا برد و به نوری رساند که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין) و از هر مرتبه‌ای فراتر است.

כי לפי שהאותיות הן בחי' דומם לכך יש להם כח ויכולת לעלות למעלה מעלה כגודע שנעוץ תחלתן בסופן²² דייקא וסוכ"ע הוא כמשל העיגול שממטה נעשה מעלה. וכמ"ש ומתחת זרועות עולם.²³

زیرا حروف در مرتبه جماداند و از این‌رو قدرت و توانایی دارند که بسیار، بسیار فراتر بروند؛ چنان‌که معروف است که «آغازشان دقیقاً در پایان‌شان نهفته است». و **סובב כל עלמין** مانند تمثیل دایره است که در آن، آنچه پایین است بالا می‌شود. و چنان‌که نوشته شده است: «و در زیر، بازوان جهان است».

دقیقاً از آن‌رو که حروف «بی‌جان» اند و احساس خودی ندارند، می‌توانند به بالاترین مرتبه صعود کنند. سفر یصیرا (ספר יצירה) می‌آموزد که پایان با آغاز پیوند دارد؛ و نور فراگیر مانند دایره است که در آن، پایین‌ترین نقطه به همان اندازه به سرچشمه نزدیک است که بالاترین نقطه. آیه «و در زیر، بازوان جهان است» نیز به همین شیوه خوانده می‌شود: «بازوان» ابدی به پایین‌ترین مرتبه می‌رسند.

یود، ستون و روغن

6 והנה כתיב ויקח מאבני המקום²⁴ ולא כל אבני לפי שלא כל האותיות יש להן כח זה אלא אות היו"ד

שהוא בחי' כלי לחכמה

اکنون نوشته شده است: «از سنگ‌های آن مکان برگرفت»، نه «همه سنگ‌ها»؛ زیرا این نیرو در همه حروف نیست، بلکه تنها در حرف یود (יו"ד, yud) است که مرتبه ظرفی برای حکمت (חכמה, Chochmah) است.

آیه می‌گوید یعقوب «از سنگ‌ها» - یعنی برخی از آن‌ها - برگرفت، نه همه آن‌ها. آتیر ربه این را اشاره‌ای می‌داند به اینکه هر حرفی را نمی‌توان تا بالاترین مرتبه بالا برد؛ تنها یود، کوچک‌ترین حرف که صرفاً نقطه‌ای است و «ظرف» حکمت به‌شمار می‌آید، چنین قابلیت دارد.

וחכמה הוא כח מ"ה [מה] בחי' בטול ולכך שורה שם ומתגלה אור א"ס ב"ה הסוכ"ע כי הוי' בחכמה²⁵
כו' ואין אור א"ס ב"ה שורה ומתגלה אלא במי שבטל כו'.

و حکمت «نیروی چه» (כח מ"ה, koach mah) است؛ مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul). از این رو نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که او متبارک است، یعنی نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، در آنجا جای می‌گیرد و آشکار می‌شود؛ زیرا «ה' در حکمت است» و غیره؛ و نور بی‌پایان، که او متبارک است، تنها در کسی جای می‌گیرد و آشکار می‌شود که خودنفی‌گر باشد و غیره.

حکمت را «نیروی چه» می‌خوانند؛ یعنی ذهنی که خود را هیچ می‌بیند. نور بی‌پایان تنها در جایی جای می‌گیرد که چنین خودنفی‌گری‌ای باشد؛ همان‌گونه که آیه «ה' زمین را با حکمت بنیاد نهاد» بر آن دلالت دارد.

וזהו האבן אשר שם מראשותיו (ועמ"ש²⁶ ע"פ מאמר הרע"מ [הרע"א מהימנא] פ' כי תשא בענין אבנא למשקל בה דא י') ואח"כ וישם אותה מצבה²⁷

و این همان «سنگی است که او نزد سرش نهاده بود». (و بنگرید به آنچه درباره گفتار رعیا مهمنا (רע"א מהימנא, Ra'aya Mehemna) [«چوپان وفادار»]) در پاراشات کی‌تیس (כי תשא) درباره «سنگی برای سنجیدن با آن: این یود است» نوشته شده است.) و پس از آن، «آن را ستون برپا کرد»،

پس «سنگی که نزد سرش نهاد» همان یود است. عبارت داخل پرانتز به رعیا مهمنا، یعنی «چوپان وفادار» - بخشی از زوهار (זהר) - در پاراشات کی‌تیس اشاره دارد که درباره «سنگی برای سنجیدن با آن» می‌گوید: «این یود است». سپس یعقوب سنگ را برپا کرد و آن را ستونی ایستاده ساخت.

וכתרגומו ושוי יתה קמא²⁸ שהוא כמ"ש קמה אלמתיוגם נצבה שמה שהיתה האבן מונחת למטה בארץ אח"כ הקים אותה והגביה אותה עוד ממטה למעלה²⁹

و چنان که ترجوم آن را برگردانده است، «آن را ایستاده نهاد» (کاما؛ **קמא**, kama)؛ همان گونه که نوشته شده است: «خوشه من برخاست (کامه؛ **קמה**, kamah) و نیز راست ایستاد». یعنی سنگی که پیش تر بر زمین، در پایین، افتاده بود، سپس آن را برپا کرد و از پایین به بالا باز هم بالاتر برد.

ترجوم اونکلوس (**اوناکلوس**) عبارت «آن را ستون برپا کرد» را «آن را ایستاده نهاد» (کاما) برمی گرداند؛ همان واژه ای که در خواب یوسف آمده است: «خوشه من برخاست (کامه) و نیز راست ایستاد». سنگ نخست بر زمین افتاده بود و سپس راست برپا شد؛ این، بالا بردنی دیگر از پایین به بالاست.

והיינו עליי [עלייה] אחר עליי [עלייה] לבחי' ומקורות י"ג מדות رحמים עליונים שהן בחי' יודי"ן ווי"ן^{30, 31} כי מקום יניקת השערה והגומא שלה הוא בחי' י' והשערה עצמה שהיא המשכה היא בחי' ו'

و این صعودی پس از صعود دیگر است، تا مرتبه و سرچشمه های سیزده صفت رحمت برین؛ صفاتی که مرتبه حروف یود (**יודי"ן**, yudin) [و] واو (**וי"ן**, vavin) هستند. زیرا جایگاهی که مو از آن تغذیه می گیرد و فولیکول آن، مرتبه یود است؛ و خود مو، که امتدادی رو به پایین است، مرتبه واو است.

این بالابردن دوم به سرچشمه سیزده صفت رحمت می رسد. در قبلا، این صفات به صورت سیزده «آرایش» (تیکونیم؛ **תיקונים**, tikunim) از ریش آریخ انپین (**אריך אנפין**, Arich Anpin) [«چهره دراز»]، مرتبه بیرونی تاج (**כתר**, Keser)، تصویر می شوند. هر تار مو دو بخش دارد: فولیکول، نقطه ای منقبض که مو از آن نیرو می گیرد و مرتبه یود است؛ و خود مو، خطی که جریان را به پایین می رساند و مرتبه واو است.

וזהו וישם מראשותיו וישם אתה מצבה שמתחלה כאשר שם מראשותיו היא בחי' יו"ד ואח"כ נעשה מצבה הוא בחי' וא"ו וכל בחי' הללו הם בחי' העלאה ממטה למעלה

و این همان «و آن ها را نزد سرش نهاد ... و آن را ستون برپا کرد» است: در آغاز، هنگامی که آن را نزد سرش نهاد، مرتبه یود بود؛ و سپس، هنگامی که به ستونی بدل شد، مرتبه حرف واو (**וא"ו**, vav) بود. و همه این مراتب، مراتب بالارفتن از پایین به بالاست.

پس دو مرحله آیه با این دو حرف متناظرند: سنگی که نزد سرش نهاد یود است و سنگی که به صورت ستون برپا کرد واو است. هر دو مرحله صعود از پایین به بالاست.

והיינו התעלות חכמה שבנפש לאור א"ס ב"ה השורה ומתגלה בה כי הנפש היא בחי' נברא ומחודש מאין ליש בבחי' אותיו' [אותיות] כו'

یعنی صعود حکمتِ نفس به سوی نورِ بی‌پایانی (که او متبارک است) که در آن جای می‌گیرد و آشکار می‌شود؛ زیرا نفس مرتبه‌ی موجودی است که آفریده شده و از نیستی به هستی پدید آمده است، در مرتبه‌ی حروف و غیره.

در انسان، این عبارت به بالا رفتن حکمتِ نفس به سوی نورِ بی‌پایانی اشاره دارد که در آن جای می‌گیرد. خودِ نفس موجودی آفریده شده است که به واسطه‌ی حروف الهی «از نیستی» پدید آمده است؛ از همین رو می‌توان آن را به سنگ‌ها تشبیه کرد.

וצריך להעלות' ממטה למעלה לאור א"ס ב"ה הסוכ"ע וישוב אל³² ה' וירחמהו מבחי' י"ג מדות הרחמים והעלאת' זו היא בבחי' חכמה דוקא כ"ח מ"ה [מה]:³³

و باید آن را از پایین به بالا، به سوی نورِ بی‌پایانی (که او متبارک است) که همه‌ی عوالم را فرا می‌گیرد، بالا برد: «و به ه' بازگردد و او بر وی رحمت آورد»؛ رحمتی از مرتبه‌ی سیزده صفتِ رحمت. و این صعود، مشخصاً از راه مرتبه‌ی حکمت، «نیروی چه»، صورت می‌گیرد.

نفس باید به سوی نورِ فراگیر بالا برده شود؛ چنان‌که ישعیا (ישעיהو, Yeshayahu) می‌گوید: «به ه' بازگردد و او بر وی رحمت آورد»؛ یعنی رحمتی از مرتبه‌ی سیزده صفت. این صعود مشخصاً از راه حکمت، «نیروی چه»، صورت می‌گیرد؛ هسته‌ی نفس که از خود تهی است.

7 הגה"ה [הגהה]

حاشیه.

حاشیه (הגה"ה, hagahah) در پی می‌آید: یادداشتی که از متن اصلی جدا شده و به دشواری‌ای پاسخ می‌دهد که از آنچه همین‌اکنون گفته شد پدید آمده است.

8 לכאורה אינו מובן כי היודי"ן שבת"ד [שבתיקוני דיקנא] הוא גבוה מהוי"ו כמ"ש לעיל כי מקום יניקה השערה והגומא שלה הוא בחי' יו"ד דהיינו מקום יניקתה ממו"ס [ממוחא סתימאה] שהוא הגבה מאד נעלה מהשערות עצמן שהן בחי' ³⁴ ו'.

در نگاه نخست، این مطلب فهمیده نمی‌شود؛ زیرا حرف‌های یود (יודי"ן, yudin) در ترتیباتِ ریش (תיקונים, tikkunim) از واوها (וי"ו, vav) بالاترند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد: جایگاهی که مو از آن تغذیه می‌کند و فولیکولِ آن، مرتبه‌ی یود است؛ یعنی جایگاهی که مو از عقلِ نهان (מוחא סתימאה, Mocha Stima'ah) از آن تغذیه می‌کند، و این جایگاه بسیار بالاتر و برتر از خود موهاست که مرتبه‌ی واو هستند.

اشکال این است که در ترتیباتِ ریش، یود – یعنی فولیکولی که مو از طریق آن از **מוחא סתימאה** تغذیه می‌کند، «عقلِ نهان» (حکمت **חכמה**, Chochmah) در آریخِ آنهین (**אריך אנפין**, Arich Anpin) – بسیار بالاتر از واو است؛ واوی که همان مویی است که از آن بیرون می‌آید. پس حرکت از یود به واو باید فرودی باشد، نه صعودی بیشتر.

9 והרי בחי' וישם אתה מצבה משמע שהוא עלייה אחר עלייה למעלה מבחי' מראשותיו שהוא בחי' יו"ד. וזהו תרתי דסתרי.

באין همه، مرتبة «و آن را چون ستونی برپا کرد» دلالت می‌کند بر صعودی پس از صعودی دیگر، فراتر از مرتبة «در محل سرش»، که مرتبة حرف یוד (י"ד, yud) است. و این دو [گفته] با یکدیگر تناقض دارند.

باین همه، ترتیب ظاهری آیه چنین می‌نماید که ستون، یعنی حرف واو (ו, vav)، صعودی فراتر از «در محل سرش»، یعنی یוד، است. این دو ادعا ظاهراً با یکدیگر تناقض دارند.

אך פי' מראשותיו הוא בחי' חכמה דאצילות ואח"כ וישם אתה מצבה שנעשית בחי' ו' הוא בחי' אבא יונק ממזלא³⁵ שבחי' השערות דת"ד [דתיקוני דיקנא] שהן ווי"ן גבוה מהיו"ד דח"ע [דחכמה עילאה].

اما مراد از «در بالای سرش» مرتبة حکمت (חכמה, Chochmah) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) است؛ و پس از آن، «و آن را چون ستونی برپا کرد» - هنگامی که به مرتبة واو بدل می‌شود - مرتبة پدر (אבא, Abba) است، که از מזלא (מזלא, Mazla) تغذیه می‌کند؛ زیرا مرتبة موهایی ترتیبها و آرایشهای ریش (תיקוני דיקנא, tikkunei dikna)، که واوها هستند، از یוד حکمت برین (חכמה עילאה, Chochmah Ila'ah) بالاتر است.

پاسخ این است که این دو حرف به دو مرتبة متفاوت تعلق دارند. یود «در بالای سرش» همان حکمت عالم صدور است؛ حال آنکه واو ستون، آبا (حکمت) است، آن‌گاه که از مزلا تغذیه می‌گیرد؛ مزلا لفظاً یعنی «آنچه به پایین جاری می‌شود» و یکی از ترتیبها و آرایشهای ریش است. آن موهها، با آنکه تنها واو هستند، از یود حکمت برین بالاترند؛ پس واو مرتبة بالاتر از یود مرتبة پایین‌تر فراتر می‌رود.

אח"כ ויצק שמן על ראשה³⁶ היינו המשכה ממו"ס [ממוחא סתימאה] ממש לתוך המזלות כו' ומזה ממש נמשך הגלוי למטה בהלכו' שבתורה שבע"פ [שבעל פה] ששרשן מנימין דמו"ס [דמוחא סתימאה] וע"ז נאמר סלסלה ותרוממך³⁷ כו'.

پس از آن، «و بر فراز آن روغن ریخت»: یعنی فرودآوردن جریان از خود عقل نهفته (מוחא סתימאה, Mocha Stima'ah) به درون مزالوت (מזלות, mazalos)، و جز آن. و از همین‌جا مکاشفه به پایین، در احکام تורה شفاهی، فرود می‌آید؛ احکامی که ریشه‌شان در رشته‌های عقل نهفته است. و درباره این گفته شده است: «او را بالا ببر، و او تو را بالا خواهد برد»، و جز آن.

روغنی که Yaakov بر فراز ستون ریخت، جریانی است از خود عقل نهفته به درون مزالوت. از آنجا این جریان به پایین، به احکام تורה شفاهی می‌رسد که ریشه در رشته‌های عقل نهفته دارند؛ از این رو گفته شده است: «او را بالا ببر» - یعنی تורה را - «و او تو را بالا خواهد برد». واژه «סלסלה»، یعنی «او را بالا ببر»، همچنین به پیچ‌وتاپ مو («סילسول») اشاره دارد؛ به همان رشته‌هایی که احکام در آنها ریشه دارند.

مطالعه تورات با هیبت سینا

10 אך אין זה תכלית המכוון רק שאח"כ ויצק שמן על ראשה שמן היינו המשכת חכמה עילאה שהיא

התורה ורצונו ית' שנמשכו ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב כמ"ש ויקם עדות ביעקב³⁸ ותורה שם בישראל

בاین حال، این مقصود نهایی نیست؛ بلکه [مقصود آن است که] پس از آن «روغن بر سر آن ریخت». روغن، فرودآمدن حکمت برتر (חכמה עילאה, Chochmah Ila'ah) است؛ و این حکمت برتر، همان تورات و اراده او، متبارک باد، است که از طریق مرتبه یعقوب (יעקב)، یعنی یود و پاشنه (יו"ד עקב, yud-akev)، فرود می‌آیند؛ چنان‌که نوشته شده است: «گواهی‌ای در یعقوب برپا داشت و توراتی در اسرائیل نهاد»:

بازگشت به متن اصلی: برپا کردن سنگ هدف نیست. هدف، روغنی است که بر سنگ ریخته می‌شود؛ یعنی فرودآمدن حکمت برتر، که همان تورات و اراده ה' است، و این فرودآمدن از طریق یعقوب، یود-اِکو، صورت می‌گیرد؛ چنان‌که آیه می‌گوید: «گواهی‌ای در یعقوب برپا داشت و توراتی در اسرائیل نهاد».

להיות בעסק התורה שלמטה בגשמיות המחליף פרה בחמור³⁹ כו' גילוי המשכת חכמה עילאה⁴⁰

تا در مطالعه تورات در پایین، در امور مادی، [مانند مورد] «کسی که گاوی را با خری معاوضه می‌کند» و غیره، فرودآمدن حکمت برتر آشکار شود.

مقصود این است که حتی هنگام مطالعه احکامی درباره امور مادی، مانند مورد میثنا درباره کسی که گاوی را با خری معاوضه می‌کند، انسان حکمت برتر ה' را در آنجا آشکار بیابد.

שכל פרטי הלכות שנפרדו הם יסודתם בהררי קדש⁴¹ עליון חכמה עילאה שכך חייבה חכמתו ורצונו ית'.

زیرا همه جزئیات احکام، که از یکدیگر جدا شده‌اند، بنیادشان در کوه‌های مقدس برین، در حکمت برتر است؛ زیرا حکمت و اراده او، متبارک باد، چنین اقتضا کرده است.

هر حکم جزئی، با آنکه گویا به صورت مسئله‌ای از این جهان از دیگر امور جداست، در حکمت برتر ریشه دارد؛ همان «کوه‌های مقدس». هر حکم، همان چیزی است که حکمت و اراده ה' مقرر کرده است.

11 ואי לזאת יהי' [יהיה] עסק התורה ג"כ עד"ז להמשיך חכמה עילא' [עילאה] בנפשו ועי"ז נעשה אתכפיא סט"א [סטרא אחרא] ואתהפכא כו'.

ازاین رو، اشتغال به تورات نیز باید به همین شیوه باشد: حکمت برین (חכמה עילאה, Chochmah Ila'ah) را به درون جان خویش جاری ساختن. و از این راه، سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) مغلوب می شود (אתכפיא, iskafya) و دگرگون می گردد (و אתהפכא, is'hapcha)، و الی آخر.

پس مطالعه تورات باید با این آگاهی انجام شود: حکمت برین ה' را به درون نفس خویش جاری ساختن. همین است که سوي دیگر را به אתכפיא می کشاند و حتی آن را به و אתהפכא درمی آورد.

ולכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] מה להלן באימה וביראה אף כאן באימה⁴² כו' שתפול על האדם אימה ופחד בעסקו בתורה כמו בשעת קבלתו בהר סיני.

ازاین رو، حکیمان ما، یادشان گرامی، فرموده اند: «همان گونه که آنجا [چنین بود]، با بیم و هیبت، اینجا نیز [باید چنین باشد]، با بیم»، و الی آخر؛ یعنی هنگام اشتغال شخص به تورات باید بیم و هراس بر او فرود آید، همانند هنگام دریافت تورات در کوه سینا.

از همین رو حکیمان آموختند (ברכות 22a) که همان گونه که تورات در سینا با بیم و هیبت دریافت شد، باید با بیم و هیبت نیز مطالعه شود. شخص باید هنگام مطالعه همان هراسی را احساس کند که بنی اسرائیل هنگام دریافت تورات احساس کردند.

12 והנה שם בהר סיני כל העם ראו את הקולות⁴³ ואת הלפידים⁴⁴ וכו' פנים בפנים⁴⁵ דבר ה' עמכם כו'.

اکنون، آنجا در کوه سینا، «همه مردم صداها و شعله ها را دیدند» و جز این ها؛ «رو در رو، ه' (Havayah) با شما سخن گفت» و جز این ها.

در سینا، هیبت به طور طبیعی پدید می آمد: مردم رعد و شعله ها را دیدند و ه' با آنان «رو در رو» سخن گفت.

והאידך ימשיך כל אדם יראה זו עליו בכל זמן אלא כאשר ישیم האדם אל לבו שהתורה שהוא לומד היא המשכת חכמה עילאה

پس چگونه هر شخص می تواند این هیبت را در هر زمانی بر خود فرود آورد؟ تنها هنگامی که انسان به دل بگیرد که تورا (تורה) که می آموزد، فرود آوردن حکمت برین (חכמה عילאה, Chochmah Ila'ah) است،

چگونه انسان می تواند هر روز، بی آنکه رعد و برقی باشد، آن هیبت را احساس کند؟ با بدل گرفتن این حقیقت که تورا (تורה) که می آموزد، حکمت برین ه' است که به پایین فرود آمده است.

ושם שורה ומתגלה اور א"ס ב"ה שלמעלה מעלה מגדר השתלשלות וקמיה כחשיכה כאורה⁴⁶ מעלה ומטה רוחניות וגשמיות שוין א"כ אין כאן הסתר פנים כלל ע"כ מה להלך כו' הכל שוה.

و در آن نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که او متبارک است، جای می‌گیرد و آشکار می‌شود؛ نوری که بسیار، بسیار فراتر از حدود زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است؛ و در پیشگاه او «تاریکی همچون روشنایی است»: بالا و پایین، معنوی و جسمانی، یکسان‌اند. پس اگر چنین است، اینجا هیچ پوشیدگی چهره‌ای در کار نیست. ازاین‌رو، «همان‌گونه که آنجا...»؛ همه‌چیز یکسان است.

در تورا نور بی‌پایان جای می‌گیرد؛ نوری که فراتر از سراسر زنجیره عوالم است و برای آن «تاریکی همچون روشنایی است»: بالا و پایین، معنوی و جسمانی، همگی یکسان‌اند. پس در مطالعه تورا هیچ پنهان‌ماندنی در کار نیست؛ حضور ה' به‌اندازه حضورش در سینا آشکار است، و هیبت سینا اکنون نیز جاری است.

بخش 6 • 131-16

از بشرشبع تا حاران، و خنده اسحاق

13 והנה להבין תכלית ירידת יעקב יו"ד עקב להיות הש"ע [הש"ע (370)] נהורין בגילוי למטה וליקח מאבני המקום⁴⁷ להעלותם למעלה ולהמשיך אח"כ בחי' שמן הוא בחי' חכמה עילאה מלמעלה למטה.

اکنون [باید] غایت فرودآمدن یعقوب (یعقب)، یودِ عَقَب (یو"ד عקב, yud-akev؛ حرف یود و پاشنه) را دریابیم: تا ۳۷۰ نور در پایین آشکار شوند، و «از سنگ‌های آن مکان» برگرفته شوند تا به بالا برده شوند، و سپس مرتبه روغن، یعنی مرتبه حکمت برتر (حכמה عילאה, Chochmah Ila'ah)، از بالا به پایین فرود آورده شود.

این مامار (maamar) اکنون می‌پرسد چرا یعقوب اصلاً باید فرود آید: تا ۳۷۰ نور را در پایین آشکار کند، «سنگ‌ها» را بالا ببرد و سپس «روغن» حکمت برتر را فرود آورد.

وירידה זו הוא מ"ש ויצא יעקב מבאר שבע.⁴⁸ באר הוא מקור ומעיין הנובע ז' מדות⁴⁹ עליונות לך ה' הגדולה והגבורה⁵⁰ כו' שהן בחי' לך בחי' ביטול.

و این فرودآمدن همان چیزی است که نوشته شده: «و یعقوب از بئر شَوَع (بאר שבע, Be'er Sheva؛ «چاه هفت») بیرون رفت.» بئر، یعنی چاه (بאר, Be'er)، سرچشمه و چشمه جوشان هفت صفت عاطفی برتر (مדות, middos) است: «از آن توست، ה' (Havayah)، بزرگی و قدرت» و الی آخر؛ این صفات مرتبه «از آن تو» هستند، یعنی مرتبه خودنفی‌گری (بیטול, bittul).

فرودآمدن، بیرون‌رفتن یعقوب از بئر شَوَع است که آن را «چاه هفت» می‌خوانند: سرچشمه هفت صفت عاطفی برتر؛ صفاتی که آیه «از آن توست، ה'، بزرگی و قدرت...» یکایک برمی‌شمارد. چون همه این صفات «از آن تو» هستند، یکسره به ה' تعلق دارند؛ این همان حالت بیטול است.

וילך חרנה חר"ן (ע"ה [עליו השלום])⁵¹ בגימ' [בגימטריא] גרו"ן רק בחי' גרו"ן היינו כשהקול יוצא כדרכו⁵² בלי עכוב ובלי מונע

«و به حاران (חר"ן, Charan) رفت.» حاران، با احتسابِ خودِ واژه به‌عنوان یک واحد (כולל, kollel)، از نظر عددی برابر با گلو (גר"ן, garon) است. اما مرتبۀ گلو آن‌گاه است که صدا به روال طبیعی خود، بی‌هیچ بازدارنده و مانعی، بیرون آید؛
او به حاران رفت. حروفِ حاران (חר"ן؛ ۸+۲۰۰+۵۰ = ۲۵۸)، با احتسابِ خودِ واژه به‌عنوان یک واحدِ دیگر، برابر با گرو"ן (גר"ן؛ ۳+۲۰۰+۶+۵۰ = ۲۵۹)، یعنی «گلو»، است. گلو در حالتِ درستِ خود جایی است که صدا آزادانه و بی‌مانع از آن بیرون می‌آید.

أبل حר"ן אותיות נחר⁵³ היינו מ"ש יגעתי בקראי⁵⁴ נחר גרוני. והיינו כשגובר בו יסוד האש⁵⁵ כי הקול כלול אש רוח ומים.

اما حاران حروفِ واژه «خشکیده» (nihar, نحر) را نیز دارد، چنان‌که نوشته شده: «از فریاد زدن خسته شده‌ام؛ گلویم خشکیده است.» و این هنگامی است که عنصرِ آتش در آن غلبه می‌یابد؛ زیرا صدا از آتش، هوا و آب ترکیب شده است.
اما حاران حروفِ نِخار، یعنی «خشکیده»، را نیز دارد؛ چنان‌که آمده است: «گلویم خشکیده است.» این حالتی است که عنصرِ آتش در گلو بر آن چیره می‌شود؛ صدا از سه عنصرِ آتش، هوا و آب ساخته شده است.

روح הוא עיקר התפשטות הבל הלב ומים היינו לחלוחית הריאה ואש הוא המחלק את הקול להיות ההפסק להתחלק בה' מוצאות הפה כלי הדבור.

هوا امتدادِ اصليِّ نَفَسِ دل است؛ آب، رطوبتِ ریه است؛ و آتش است که صدا را بخش‌بخش می‌کند و با ایجادِ مکث، آن را به پنج مخرجِ دهان، یعنی اندام‌های گفتار، تقسیم می‌کند.
هوا امتدادِ نَفَسِ است که از دل برمی‌خیزد، آب رطوبتِ ریه‌هاست، و آتش صدا را به صداهاى جداگانه می‌بُرد؛ همان پنج گروهِ حروفی که اندام‌های گفتار می‌سازند.

14 וכשגובר יסוד האש ביותר הוא המפסיק את הקול⁵⁶ עד שאינו יכול לצאת במשך ההעברה כדרכה.

و هنگامی که عنصرِ آتش بیش از اندازه غلبه می‌کند، همین است که صدا را قطع می‌کند، تا آنجا که صدا نتواند در جریانِ پیوستۀ معمولِ خود بیرون آید.
آتش در حدِّ اعتدالِ صدا را به حروف تقسیم می‌کند؛ اما اگر از اندازه بگذرد، صدا را یکسره خفه می‌کند، به‌گونه‌ای که دیگر نمی‌تواند به شیوۀ معمول و پیوستۀ خود جاری شود.

וכך הוא בחי' חרן היינו בחי' המפסיק את הקול שהוא ההמשכה מחיות ואור א"ס ב"ה

مرتبة حَران (חרן, Charan) نیز همین است: یعنی مرتبة آنچه صدا را قطع می‌کند؛ صدایی که همان فرودآمدن نیروی حیات (حיות, chayus) و نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) از بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof)، متبارک باد او، است؛

حران همان خفه‌شدن صداست. از نظر معنوی، «صدا» جریان نیروی حیات و نور از بی‌نهایت مطلق به درون عوالم است.

שלא להיות ההמשכה כדרכה בקדושה דוקא אלא שיש גם לקליפות וס"א [וסטרא אחרא] יניקה ואחיזה

בהמשכה זו ואזי נק' בבחי' נאלמתי דומיה⁵⁷ שנפסק הקול וההמשכה ונעשה בחי' נפרד

به‌گونه‌ای که این فرودآمدن، دیگر تنها در مسیر معمول خود در قدوسیت نیست، بلکه پوسته‌ها (קליפות, kelipos) و سوي دیگر (סטرا אחרא, sitra achra) نیز از این فرودآمدن روزی می‌گیرند و در آن جای پایی دارند. آنگاه این حالت با عبارت «لال و خاموش ماندم» نامیده می‌شود؛ زیرا صدا و فرودآمدن قطع می‌شوند و مرتبة جدایی پدید می‌آید.

در حران، آن جریان دیگر در مسیر درست خود، یعنی تنها در قلمرو قدوسیت، حرکت نمی‌کند؛ در عوض، پوسته‌ها و سوي دیگر، یعنی نیروهای مخالف قدوسیت، از آن روزی می‌گیرند. این همان حالت «لال و خاموش ماندم» است: جریان قطع می‌شود و آنچه باقی می‌ماند، خود را جدا از ה' احساس می‌کند.

ובחי' זו הוא בין בהנהגת העולמות שהוא ענין גלות ישראל ושעבוד מצרים ובבל מחמת תגבורת האש

ותוקף הדין

این مرتبه هم در تدبیر عوالم وجود دارد، که عبارت است از تبعید اسرائیل و به بندگی کشیده‌شدن در مصر و بابل، بر اثر شدت آتش و نیروی داوری؛

این جدایی در دو ساحت نمود می‌یابد. در جریان عوالم، به صورت تبعید قوم یهود و به بندگی کشیده‌شدن آنان در مصر و بابل است؛ و مامار منشأ آن را فزونی آتش، یعنی شدت داوری، می‌داند.

ובין בכל נפש מישראל בעבודת ה' שעסק התורה שלו הוא בבחי' נפרד ולא בבחי' ביטול לאור א"ס

ב"ה להיות גילוי حکמתו כו' מחמת תגבורת האש וחמימות שמצד גופו ونפש הבהמית אשר נמשך

אחריהם.⁵⁸

و نیز در هر نفیس یهودی، در خدمت ה': هنگامی که مطالعه تورا او در حالت جدایی است و نه در حالت خودنفی‌گری (بیטול, bittul) نسبت به نور بی‌پایان، متبارک باد او، تا حکمت او و مانند آن در آن آشکار شود؛ و این به سبب شدت آتش و گرمایی است که از بدن او و نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) برمی‌خیزد، که او از آن‌ها پیروی می‌کند.

این حالت در فرد یهودی نیز نمود می‌یابد: او ممکن است تורה را با احساس خود، جدا از ה'، مطالعه کند و از خودنفی‌گری‌ای که امکان می‌دهد حکمت ה' در آن آشکار شود، بی‌بهره باشد. علت، باز هم «آتش» است: گرما و شور بدن و نفیس حیوانی، که شخص از آن‌ها پیروی می‌کند.

אך הנה תכלית ירידה זו של בחי' יעקב מאגרא רמה מבאר שבע מקו' מדות העליונות שהן ביטול אליו ית' לך ה' הגדולה כו' לבירא עמיקתא⁵⁹ מקום החרן המפסיק ומעכב את קול ההמשכה להיות בחי' נפרד.⁶⁰ הוא כדי להיות אתכפיא ואתהפכא

اما مقصود این نزول مرتبة یعقوب (יעקב)، از «قله‌ای بلند»، از بئرשبع (באר שבע, Be'er Sheva)—خاستگاه صفات برین، که در برابر او در حالت بیטולاند، چنان‌که آمده است: «بزرگی از آن توست، ה'»، و مانند آن—به «چاهی ژرف»، یعنی جایگاه حران، که صدای فرودآمدن را قطع و بازمی‌دارد تا مرتبة جدایی پدید آید، این است که رام‌سازی (אתכפיא, iskafya) و دگرگونی (אתהפכא, is'hapcha) تحقق یابد.

با این حال، نزول یعقوب مقصودی داشت. او از «قله‌ای بلند به چاهی ژرف» رفت—عبارتی تلمودی برای سقوطی بزرگ—از بئرשبع، خاستگاه صفات برینی که همه «از آن توست»، به حران، جایی که جریان بسته می‌شود و جدایی حکم‌فرماست. او به آنجا رفت تا تاریکی نخست رام شود و سپس دگرگون گردد.

ואזי נעשה מחרן רנה כי החי' נפסק ונעשה ה"א. כמ"ש בזהר ע"פ גער חית קנה^{61,62} שמחמץ נעשה מצה.⁶³

و آنگاه از حران، سرود شادی (רנה, rinah) پدید می‌آید؛ زیرا حرف ח (ches) گشوده می‌شود و به ה (hei) بدل می‌گردد. چنان‌که در זהר (זהר) درباره آیه «جانور نیزار را سرزنش کن» آمده است: از خمیر ورآمده (חמץ, chametz)، نان فطیر (מצה, matzah) پدید می‌آید.

در آن هنگام، حران به سرود شادی بدل می‌شود: حرف بسته ח گشوده می‌شود و به ה بدل می‌گردد. זהר نیز همین نکته را درباره تبدیل خمیر ورآمده به نان فطیر بیان می‌کند؛ در آنجا هم حرف ח به ה بدل می‌شود.

15 וזהו ושבתی בשלום⁶⁴ אל בית אבי ושבתی מחר"ן. אל בית אבי זהו בחי' יצחק ויצחק נק' ע"ש [על שם] צחק עשה לי⁶⁵ אלקים

و این است معنای «و به سلامت به خانه پدرم بازخواهم گشت»: «بازخواهم گشت» یعنی از حاران (חרן, Charan). «به خانه پدرم»: این مرتبة اسحاق (יצחק) است؛ و اسحاق چنین نامیده شده، به سبب «אלקים» برای من خنده (צחק, tzechok) پدید آورده است»،

נדר یعقوب (יעקב)، «به سلامت به خانه پدرم بازخواهم گشت»، به معنای بازگشت از حاران خوانده می‌شود. «خانه پدرم» همان اسحاق است که نامش از سخی ساره (שרה) گرفته شده است: «אלקים» برای من خنده پدید آورده است».

והוא בחי' רנ"ה שנעשה מחר"ן וכתוב כל השומע יצחק לי יצחק הוא לשון עתיד דהיינו בביאת המשיח ב"ב [במהרה בימינו] **שאז אהפוך אל עמים⁶⁶ וגו'**

و این مرتبه آواز شادی (رن"ה, rinah) است که از حاران پدید می‌آید. و نوشته شده است: «هر که بشنود، برای من خواهد خندید (יצחק, yitzchak)»؛ «יצחק» صیغه آینده است؛ یعنی هنگام آمدن **مשיח** (Moshiach)، به‌زودی در روزگار ما؛ زیرا آن‌گاه «قوم‌ها را دگرگون خواهم کرد»، و غیره.

اسحاق، که نامش به خنده اشاره دارد، همان آواز شادی است که از حاران پدید می‌آید. ساره نیز گفت: «هر که بشنود، برای من خواهد خندید»؛ «יצחק» در آنجا صیغه آینده است؛ این خنده به روزگار **مשיח** تعلق دارد، هنگامی که، چنان‌که صفیا (צפניה) می‌گوید، «قوم‌ها را دگرگون خواهم کرد».

דכד אתכפיא ואתהפכא אזי נעשה בחי' צחוק וחדזה כמו עד"מ צחוק המלך והשרי' מענין התהפכות דבר רחוק וזר כמו מצפור מדברת שזהו דבר חידוש משא"כ מאדם המדבר שדרכו בכך לא שייך צחוק.

زیرا هنگامی که [سوی دیگر (סטرا אחرا, sitra achra)] به زیر کشیده و دگرگون می‌شود، مرتبه خنده و شادی پدید می‌آید؛ چنان‌که، برای نمونه، شاه و وزیران از دگرگونی چیزی دور و نامأنوس، مانند پرندۀ‌ای که سخن می‌گوید، به خنده می‌افتند؛ زیرا این پدیده‌ای نو است. اما درباره انسان‌ی که سخن می‌گوید، چون سخن‌گفتن شیوه معمول اوست، خنده‌ای در کار نیست.

وقتی سوی دیگر مهار و دگرگون می‌شود، خنده پدید می‌آید، زیرا خنده از شگفتی برمی‌خیزد. شاه و وزیرانش از دیدن پرندۀ‌ای که سخن می‌گوید، از سر شادی می‌خندند، چراکه این شگفت‌آور است؛ اما از انسان‌ی که سخن می‌گوید نمی‌خندند، زیرا این امر انتظار می‌رود. به همین ترتیب، تبدیل تاریکی به نور، در عوالم بالا لذتی یگانه پدید می‌آورد.

16 ולכן ארז"ל [آמרؤ ربوتینو זכرونם לברכה] **במקום שבע"ת** [שבעלי תשובה] **עומדין⁶⁷ כו' משום דאתהפכא חשוכא כו'. וגם ארז"ל** [آמרؤ ربوتینو זכرونם לברכה] **אם ישראל עושין תשובה⁶⁸ נגאלין כו' שזהו תכלית ביאת המשיח להיו' [להיות] הצחוק והחדזה כד אתכפיא סט"א** [סטرا אחرا] **وאתהפכא חשוכא לנהורא.**

بنابراین، حکمای ما، یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «در جایگاهی که اهل بازگشت (בעלי תשובה, baalei teshuvah) ایستاده‌اند...»؛ زیرا تاریکی دگرگون می‌شود، و مانند آن. حکمای ما، یادشان گرامی باد، همچنین گفته‌اند: «اگر اسرائیل به بازگشت (تשובה, teshuvah) روی آورند، رهایی می‌یابند...»؛ زیرا این مقصود از آمدن **مשיח** (Moshiach) است: آن‌که خنده و شادی پدید آید، هنگامی که سوی دیگر (סטرا אחرا, sitra achra) رام می‌شود و تاریکی به نور دگرگون می‌گردد.

از همین رو حکمای ما می‌گویند (ברכות 34b) که حتی پارسایان کامل نیز نمی‌توانند در جایگاهی بایستند که اهل بازگشت در آن ایستاده‌اند: در این بازگشت، خود تاریکی به نور بدل می‌شود و بزرگ‌ترین لذت را به بار می‌آورد. رهایی نیز به بازگشت وابسته است، زیرا تمام مقصود از آمدن **مשיח** همین شادی برخاسته از دگرگونی تاریکی به نور است.

וזהו מארז"ל [מאמר רבותינו זכרונם לברכה] **שלעתיד יאמרו על יצחק** ⁶⁹ **כי אתה אבינו** ⁷⁰ **שתכלית ירידת הנשמה בגוף בעוה"ז ותכלית ירידת ישראל בגלות ושעבוד ודחק פרנסה הוא כדי שיעלו ויבאו ויגיעו לבחי' יצחק הוא הצחוק והחדוה כו':**

و این [معنای] گفته حکمای ما، یادشان گرامی باد، است که در آینده به اسحاق (יצחק) خواهند گفت: «زیرا تو پدر ما هستی»؛ زیرا مقصود از نزول روح به بدن در این جهان، و مقصود از نزول اسرائیل به تبعید و زیر سلطه رفتن و تنگنای تأمین معاش، آن است که بالا روند و بیایند و به مرتبه اسحاق برسند؛ یعنی به خنده و شادی، و مانند آن.

تلمود نقل می‌کند که در آینده اسرائیل به اسحاق خواهند گفت: «تو پدر ما هستی». نزول روح به بدن، و نزول اسرائیل به تبعید و دشواری تأمین معاش، همگی برای رسیدن به اسحاق است: به خنده و شادی حاصل از دگرگونی.

بخش 7 • 171-20

صلح و تحقق نذر

17 **אך כיצד ישוב מבחי' חרן לבחי' יצחק הנ"ל הנה לזה אמר הכתוב בשלום כי שלום הוא המחבר ומקשר ב' הפכים**

اما چگونه می‌توان از مرتبه حران (חרן) به مرتبه اسحاق (יצחק) که در بالا یاد شد بازگشت؟ برای این منظور، آیه می‌گوید: «در صلح»؛ زیرا صلح است که دو ضد را به هم می‌پیوندد و به یکدیگر پیوند می‌دهد،

چگونه می‌توان از حران، یعنی جدایی مسدود، به اسحاق، یعنی شادی، بازگشت؟ آیه پاسخ می‌دهد: «در صلح». صلح است که دو ضد را به هم می‌پیوندد و یکی می‌کند.

כמ"ש עושה שלום במרומיו בין מיכאל⁷¹ כו' ⁷² שלום שלום לרחוק⁷³ שנעשה קרוב כו' ובשלום ב' ⁷⁴ שלום ממטה למעלה וממעלה למטה כמ"ש במ"א⁷⁵.

چنان‌که نوشته شده است: «او در بلندی‌های خویش صلح برقرار می‌کند»، میان میکائیل (میכאל) و غیره؛ «صلح، صلح برای آن‌که دور است»، که نزدیک می‌شود، و غیره. و واژه «**בשלום** (beshalom)» - «در صلح» - به دو گونه [صلح اشاره دارد: از پایین به بالا و از بالا به پایین، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

مدراش توضیح می‌دهد که **ה'** «در بلندی‌های خویش صلح برقرار می‌کند» میان فرشته میکائیل (آب، مهر) و فرشته جبرئیل (گبرئیل) (آتش، سخت‌گیری). همچنین، «صلح، صلح برای آن‌که دور است» به معنای صلح برای کسی است که دور بوده و نزدیک شده است؛ یعنی **בעל תשובה** (baal teshuvah: کسی که بازگشته است). و واژه «**בשלום**»، یعنی «در صلح»، به دو گونه صلح اشاره دارد (حرف **ב** ارزش عددی دو دارد): از پایین به بالا و از بالا به پایین.

18 והנה כשיתגלה הצחוק העליון לעתיד כד אתכפיא ואתהפכא דהיינו שלא יהיה שליטה וניקה לקליפות

וסט"א [וסטרא אחרא] כלל וכמ"ש ואת רוח הטומאה⁷⁶ אעביר מן הארץ. אזי יזדכך חומריות העולם וגסותו

שלא יהיה בבחי' יש ודבר נפרד בפ"ע [בפני עצמו] רק הכל יוכלל בבחי' אין

אکنون، هنگامی که در آینده خنده برین آشکار شود، آن‌گاه که [سوی دیگر (סטרא אחרא, sitra achra)] مقهور و دگرگون گردد؛ یعنی هنگامی که پوسته‌ها (קליפות, kelipos) و سوی دیگر (סטרא אחרא) دیگر هیچ‌گونه سلطه و مایه ارتزاقی نداشته باشند، چنان‌که نوشته شده است: «و روح ناپاکی را از زمین برخوادم داشت»، در آن هنگام مادیت و درشتی جهان پالوده خواهد شد، به‌گونه‌ای که دیگر در مرتبه چیزی (yesh, יש) نباشد؛ چیزی جدا و مستقل به‌خودی خود؛ بلکه همه در مرتبه هیچ (ayin, אין) مندرج شود.

در آینده «خنده برین» آشکار می‌شود؛ آن‌گاه که شر به‌تمامی مقهور و دگرگون شده باشد و کליפות هیچ جای پایی نداشته باشند، چنان‌که زکریا می‌گوید: «روح ناپاکی را از زمین برخوادم داشت.» سپس درشتی جهان پالوده می‌شود: جهان دیگر خود را به‌صورت יש، یعنی «چیزی» جداگانه، احساس نخواهد کرد؛ همه‌چیز در אין، «هیچ» الهی‌ای که از آن پدید آمده است، جذب خواهد شد.

כי זהו תכלית בריאת העולמות מאין ליש כדי לאהפכא מבחי' יש לבחי' אין ואזי והיה הוי' לי לאלקים.

زیرا این است مقصود از آفرینش عوالم از هیچ به چیز: تا [آنها] را از مرتبه יש به مرتبه אין دگرگون کند. و آنگاه: «ה' برای من به‌منزله اלקים (אלקים, Elokim) خواهد بود.»

مقصود از آفریدن چیزی از هیچ این است که آن «چیز» دوباره به «هیچ» بدل شود و آگاهانه در برابر ה' خود را هیچ بداند. این همان تحقق درخواست یعقوب (יעקوب) است: «ה' برای من به‌منزله اלקים خواهد بود.»

כי הנה אלקי' היינו ההעלם והצמצום להיות העולמות נבראים מאין ליש

زیرا اלקים همان پوشیدگی و انقباض (צמצום, tzimtzum) است، تا عوالم از هیچ به چیز آفریده شوند؛

برای توضیح: اלקים پوشیدگی و انقباض ה' است و از این راه عوالم می‌توانند به‌صورت «چیز» وجود داشته باشند.

והוי"ה היינו בחינת פנימיות اور א"ס ב"ה המחי' [המחיה] ומהוה כו'

و ה' مرتبه بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که متبارک باد، است؛ نوری که حیات می‌بخشد و به‌وجود می‌آورد، و مانند آن.

ה' همان نور بی‌پایان درونی است که در حقیقت به آنها حیات و هستی می‌بخشد.

וכמ"ש כי שמש ומגן⁷⁷ הוי"ה אלקים שאלקי נעשה בחי' מגן לשם הוי"ה שהוא בבחי' השמש כו'.

چنانکه نوشته شده است: «زیرا **ה' אלקים** خورشید و سپر است»: **אלקים** برای نام **ה'** به مرتبه سپر بدل می‌شود؛ نامی که در مرتبه خورشید است، و مانند آن.

«**ה' אלקים** خورشید و سپر است»: **ה'** همچون خورشید است و **אלקים** سپری است که آن را می‌پوشاند تا آفریدگان بتوانند تاب آن را بیاورند.

אך כל זה הוא בבחינת השתלשלות וירידת המדרגות שהוא בבחי' זיו והארה שמאור א"ס ב"ה להוות ולהחיות נבראים כסדר ירידת השתלשלות המדרגות מדרגה אחר מדרגה.

اما همه این‌ها در حیطه زنجیره نزولِ عوالم (**השתלשלות**, hishtalshelus) و فرودآمدنِ مراتب است؛ امری که در مرتبه پرتو و تابشی از نور بی‌پایان، که متبارک باد، قرار دارد تا آفریدگان را مطابقِ نظمِ زنجیره نزولِ مراتب، مرتبه پس از مرتبه، به‌وجود آورد و به آنها حیات ببخشد؛

اما این سازوکارِ **ה'** که به‌واسطه **אלקים** پوشیده است، به زنجیره عوالم تعلق دارد؛ در آنجا تنها پرتویی از نور بی‌پایان، گام‌به‌گام و در مراتب پیاپی، به آفریدگان حیات می‌بخشد.

שמדרגות עליונים מקבלים اور היותר עליון ורוחני כו' וכל מה שלמטה מטה מתצמצם ומתלבש כו'.

زیرا مراتبِ برتر نوری متعالی‌تر و روحانی‌تر دریافت می‌کنند، و هرچه مرتبه پایین‌تر می‌رود، نور بیشتر منقبض می‌شود و در پوششی درمی‌آید، و مانند آن.

مراتبِ بالاتر نوری لطیف‌تر و روحانی‌تر دریافت می‌کنند؛ هرچه مرتبه پایین‌تر باشد، نور بیشتر منقبض و پوشیده می‌شود.

אבל לע"ל [לעתיד לבוא] כשיתגלה הצחוק העליון שהוא מבחי' אתהפכא כו' יהיה גילוי אא"ס [اور אין סוף]

ב"ה בעצמו ובכבודו שלמעלה מעלה מבחינת השתלשלות

اما در آینده، هنگامی که خنده برین آشکار شود، خنده‌ای که از مرتبه دگرگونی است، نور بی‌پایان، که متبارک باد، در ذات و جلال خویش آشکار خواهد شد؛ نوری که بسیار، بسیار فراتر از مرتبه **השתלשלות** است.

در آینده، با خنده برخاسته از دگرگونی، نور بی‌پایان آن‌گونه که در ذات خود و فراتر از تمام زنجیره عوالم است، آشکار خواهد شد.

כי עין בעין יראו כו' וראו כל بشر⁷⁸ כו' ובאו במערות צורים⁷⁹ ובמחילות עפר מפני פחד⁸⁰ ה' וגו'.

زیرا «چشم در چشم خواهند دید»، و غیره؛ «و همه بشر خواهند دید»، و غیره؛ و به غارهای صخره‌ها و حفره‌های خاک وارد خواهند شد، از بیم **ה'**، و غیره.

پیامبران این را چنین توصیف می‌کنند: «چشم در چشم خواهند دید»، «همه بشر با هم خواهند دید»، و مردم در غارها پنهان خواهند شد «از بیم **ה'**». این مکاشفه مستقیم و فراگیر خواهد بود.

19 ואז יהי [יהיה] בחי' הוי"ה שהוא אור א"ס ב"ה הנמשך ומתפשט להתלבש בתוך עלמין בסדר

ההשתלשלות. נחשב בחי' אלקים דהיינו בחי' צמצום

و آنگاه مرتبه نام چهارحرفی (ה', Havayah)، که همان نور بی‌پایان (اور אין סוף، Or Ein Sof)، متبارک باد، است و در ترتیب زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) به پایین کشیده می‌شود و گسترش می‌یابد تا درونِ عوالم جامه بپوشد، مرتبه نامِ **אלקים** (אלקים، Elokim)، یعنی مرتبه انقباض (צמצום، tzimtzum)، به‌شمار خواهد آمد؛

پس نامِ **ה'**، یعنی نورِ **اور אין סוף** هنگامی که به پایین کشیده می‌شود و در عوالم جامه می‌پوشد، خود به‌منزله **אלקים**، یعنی انقباض، به‌شمار خواهد آمد.

שבאמת אין זה אלא זיו והארה מצומצמת לגבי אור א"ס ב"ה בעצמו ובכבודו שלפניו מעלה ומטה

שוין וכחשיכה כאורה.⁸¹

زیرا در حقیقت، آن در قیاس با نور بی‌پایان، متبارک باد، در ذات و جلالِ خویش، چیزی جز پرتو و فروغی محدود نیست؛ در برابرِ او بالا و پایین یکسان‌اند و «تاریکی همچون نور است».

زیرا در قیاس با نورِ **اور אין סוף** در ذاتِ خود، که در برابرش بالا و پایین یکسان‌اند و «تاریکی همچون نور است»، حتی **ה'** در عوالم نیز تنها فروغی محدودشده است. این معنای ژرف‌تر عبارتِ «**ה'** برای من همچون **אלקים** خواهد بود» است.

20 והאבן הזאת אשר שتمתי מצבה⁸² הוא בחינת יו"ד כלי החכמה שמבחי' אותיות בחי' דומם דהיינו בחי'

התהוות מאין ליש

«و این سنگ که آن را چون ستونی برپا کردم»: این مرتبه حرفِ یוד (י"ד، yud)، ظرفِ حکمت (חכמה، Chochmah) است؛ و این ظرف از مرتبه حروف، یعنی از مرتبه بی‌جان، است؛ یعنی مرتبه پدیدآمدن از نیستی به هستی.

اکنون به پرسش دوم پاسخ داده می‌شود. «این سنگ» همان **י"ד** است، ظرفِ **חכמה**: حرفی بی‌جان که از نیستی پدید آمده است.

רק לפי אשר שמתי מצבה שהגבהתי והעליתי כו' לכך יהי' [יהיה] לה כח ויכולת להיות בית אלקים שיהיה בחי' אלקים זה שהוא אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה שבתוך עלמין שורה ומתגלה בבחי' אותיות הללו והאותיות תהיינה בבחי' משכן ומכון לשבתו ית'.

اما چون «آن را به صورتِ ستون برپا کردم»؛ زیرا آن را بالا بردم و برافراشتم و غیره، ازاینرو توان و قابلیت آن را خواهد داشت که «خانهٔ اَلקים (اَلקים، Elokim)» شود: این مرتبه از اَلקים، یعنی نورِ بی‌پایان (اَور اَین سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، که درونِ عوالم است، در این حروف قرار گیرد و آشکار شود، و حروف مسکن و جایگاهی استوار برای اقامتِ او، که متبارک باد، خواهند بود.

اما چون یعقوب (יעקب) آن را به صورتِ ستون برپا کرد، توانِ آن را یافت که «خانهٔ اَلקים» شود: نورِ الهی درونِ عوالم، که از آن پس اَلקים نامیده می‌شود، در این حروف قرار می‌گیرد و آشکار می‌شود، و حروف به مسکنی برای ה' بدل می‌شوند.

بخش 8 • 211-22

عُشرهای بی‌پایان

21 وکل זה הוא ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב צוה ישועות יעקב⁸³ גילוי הש"ע [הש"ע (370)] נהורין שבהן וע"י נזכה לכל בחי' האלו. וכל אשר תתן לי⁸⁴ עשר اعשרנו לך.

و همهٔ این‌ها به‌واسطهٔ مرتبه / جنبه (בחینه، bechinah) یعقوب (יעקب) است، یود-عاقو (یو"ד عקב، yud-akev؛ حرفِ یود در پاشنه): «نجات‌های یعقوب را فرمان ده»؛ یعنی آشکارشدنِ ۳۷۰ نوری که در آن‌هاست؛ و به‌واسطهٔ این، به همهٔ این مراتب نائل خواهیم شد. «و از هرچه به من بدهی، دهیک خواهم داد، آن را دهیک خواهم کرد (عשר اعשרנו، aser a'asrenu) به تو.»

همهٔ این‌ها از طریق یعقوب می‌آید؛ «نجات‌های» او ۳۷۰ نور را آشکار می‌کند. سپس מאמר (maamar) به پایانِ نذر یعقوب می‌پردازد: «از هرچه به من بدهی، دهیک خواهم داد، آن را دهیک خواهم کرد»؛ در عبری، فعلِ دو بار آمده است.

הענין הוא כי הנה נודע שיהיה עילוי אחר עילוי לאין קץ ימות המשיח ותחיה"מ [ותחיית המתים] כמה שמייטין ויובלות כו' וכל עילוי גדול מחבירו.

مطلب چنین است: معلوم است که عروجی پس از عروجی دیگر، بی‌پایان، خواهد بود؛ در روزگارِ مשיח (Moshiach) و رستاخیز مردگان، چرخه‌های متعددِ شمیثا (شمیטין، Shemitah) و یوبیل‌ها، و غیره؛ و هر عروجی از عروج دیگر بزرگ‌تر است.

معلوم است که آینده عروج‌هایی بی‌پایان به همراه خواهد داشت: روزگارِ مשיח، رستاخیز، و چرخه‌هایی پیاپی پس از آن که هر یک از چرخهٔ پیشین برتر است.

אך קודם העילוי שאחר העילוי צריך להיות [להיות] נשאר מעילוי הראשון בבחי' אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] לאתעדל"ע [אתערותא דלעילא] שבעילוי הב' ואתעדל"ת [אתערותא דלתתא] זו הנשאר מן העילוי הראשון נק' בחי' מעשר.⁸⁵

اما پیش از عروجی که پس از [هر] عروج می‌آید، لازم است چیزی از عروج نخست باقی بماند، به صورتِ برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata)، تا برای برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarusa dileila) که در عروج دوم است زمینه باشد؛ و این אתערותא דלתתא که از عروج نخست باقی می‌ماند، مرتبهٔ دهیک (מעשר, maaser) نامیده می‌شود.

هر عروج تازه‌ای به محرکی از پایین نیاز دارد. باید چیزی از مرتبهٔ پیشین باقی بماند تا אתערותא דלתתא باشد و אתערותא דלעילא بعدی را فرود آورد. آن باقی‌ماندهٔ מעשר، یعنی دهیک، نامیده می‌شود.

22 וז"ש [וזהו שכתוב] וכל אשר תתן לי⁸⁶ לעתיד דהיינו כל העליות שיהיה עד אין קץ עשר אעשרנו ויהי [ויהיה] הרבה מעשרות לכל עילוי בחי' מעשר בפ"ע [בפני עצמו] ותמיד עשר אעשרנו עד שיגיע לך לבחי' אור א"ס ב"ה עצמו

و این است معنای آنچه نوشته شده است: «و از هر آنچه به من عطا کنی»؛ در آینده، یعنی همهٔ صعودهایی که بی‌پایان خواهند بود: «عشر خواهم داد، عشر خواهم داد». عشرهای بسیاری خواهد بود؛ برای هر صعود، مرتبه‌ای از عشر جداگانه، و پیوسته «عشر خواهم داد، عشر خواهم داد»، تا به «تو» برسد؛ به مرتبهٔ خود نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است.

«هر آنچه به من عطا کنی» به صعودهای بی‌پایان آینده اشاره دارد. تکرارِ «عشر خواهم داد، عشر خواهم داد» به معنای عشرهای بسیار است؛ یکی برای هر صعود، تا آنجا که صعود به «تو»، یعنی خود نور بی‌پایان، برسد.

وكمو שהוא ית' א"ס כך יהיו עליות עד א"ס והכל ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב כו' כנ"ל

و همان‌گونه که او، که متبارک است، بی‌نهایت است، صعودها نیز بی‌پایان خواهند بود؛ و همه‌چیز به واسطهٔ مرتبهٔ یعقوب (יעקב)، «یود-عاقو» (יו"ד עקב, yud-akev)، و جز اینهاست، چنان‌که [پیش‌تر] توضیح داده شد.

از آنجا که ה' بی‌نهایت است، صعودها به‌سوی او نیز پایانی ندارند. همهٔ آنها به‌واسطهٔ یعقوب پدید می‌آیند؛ یعنی «یود» که تا پاشنه فرود می‌آید، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

וד"ל [ודי למבין]: (ובענין מ"ש בפ' עשר אפשרנו ואתעדל"ת [ואתערותא דלתתא] זו כו' נק' בחי' מעשר כו'. נראה כי הכתר הוא הממוצע⁸⁷ בין עולם העליון לעולם התחתון⁸⁸ שהוא סוף בחי' עליונה ומקור וראש לבחי' תחתונה כמו מלכות דאצי' כתר לבריאה ומלכות דבריאה כתר ליצירה כו'.

و این برای فهمنده بس است. (و درباره آنچه در تفسیر «عُشر خواهم داد، عُشر خواهم داد» گفته شد که این برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) و جز آن، مرتبه عُشر نامیده می‌شود و جز آن: به نظر می‌رسد که تاج (כתר, Keser) میانجی جهانی برتر و جهانی فروتر است؛ زیرا پایان مرتبه برتر و سرچشمه و سرآغاز مرتبه فروتر است. چنان‌که فرمانروایی (ملכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus)، تاج عالم آفرینش (בריאה, Beriah) است، و فرمانروایی عالم آفرینش، تاج عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah)، و جز اینها.)

متن اصلی در اینجا پایان می‌یابد و پس از آن یادداشتی درون پرانتز می‌آید که توضیح می‌دهد چرا آنچه از هر صعود باقی می‌ماند و آن را برمی‌انگیزد، «عُشر» نامیده می‌شود. نکته اصلی تاج است: جایگاه پیوند دو جهان، یعنی پایین‌ترین مرتبه جهان برتر و سرآغاز جهان فروتر. برای نمونه، فرمانروایی، آخرین مرتبه از مراتب تجلی عالم صدور است و تاج، نخستین مرتبه عالم آفرینش؛ و همین‌طور در مراتب پایین‌تر.

ולכן הנה להיות עליית העולמות שיתעלה העשייה בקדושי' [בקדושה / בקדושת] היצירה ממש הוא ע"י אמצעות הכתר דעשייה שהוא בחי' מעשר מע"ס [מעשר ספירות] דעשיי' [דעשייה].

ازاین‌رو، صعود عوالم، تا آنجا که عالم عمل (عשייה, Asiyah) به خود قداست عالم صورت‌بخشی ارتقا یابد، از طریق میانجی‌گری تاج عالم عمل صورت می‌گیرد؛ تاجی که مرتبه یکدهم از ده مرتبه تجلی عالم عمل (سפירות, Sefiros) است.

پس هنگامی که عالم عمل به عالم صورت‌بخشی صعود می‌کند، این صعود به واسطه تاج خود آن صورت می‌گیرد؛ و چون تاج یکی از ده مرتبه تجلی است، یکدهم عالم عمل به‌شمار می‌آید و عُشر است.

והענין כי כתר הוא לשון שתיקה כמו כתר לי זעיר.⁸⁹ ושתיקה הוא בחינת בטול וע"ז נאמר יונת אלם⁹⁰ כו'. והוא בחינת בעמד תרפינה כנפיה.⁹¹

و توضیح این است که «כתר» (Keser) به معنای سکوت نیز آمده است، چنان‌که در عبارت «اندکی درنگ کن» (כתר לי זעיר) آمده است. سکوت مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) است؛ و درباره همین گفته شده است: «کبوتر خاموش» و جز آن. و این همان مرتبه «هنگامی که می‌ایستادند، بال‌هایشان را فرو می‌گذاشتند» است.

چرا تاج؟ واژه Keser با معنای سکوت پیوند دارد، چنان‌که در آیه «اندکی درنگ کن» آمده است. سکوت بیانگر خودنفی‌گری است؛ مانند «کبوتر خاموش» و نیز مانند فرشتگان در رؤیای یحزکل که «هنگامی که می‌ایستادند، بال‌هایشان را فرو می‌گذاشتند».

וע"י בטול זה יוכל להתעלות אח"כ ליצירה כי א"א להיות עליי [עלייה] ממהות למהות כי אם שיוכלל תחלה בבחי' אין ממש וזהו ענין העמוד שבין ג"ע [גן עדן] התחתון לג"ע [לגן עדן] העליון כו'

و به واسطه این خودنفی‌گری، [آن مرتبه] می‌تواند پس از آن به عالم صورت‌بخشی صعود کند؛ زیرا صعود از ماهیتی به ماهیت دیگر ممکن نیست، مگر آنکه نخست در مرتبه هیچ محض (ayin, אין) جذب شود. این همان معنای ستونی است که میان گن عدن فرودین و گن عدن برین (Gan Eden, گن عدن) قرار دارد و جز آن.

تنها از طریق چنین خودنفی‌گری‌ای یک مرتبه می‌تواند به مرتبه بعد صعود کند. چیزی نمی‌تواند از حالتی معین به حالتی معین دیگر گذر کند، مگر آنکه نخست در «هیچ» جذب شود. به همین دلیل نیز میان گن عدن فرودین و گن عدن برین ستونی قرار دارد که ارواح از طریق آن می‌گذرند.

و כמו צמיחת התבואה מזרע הנזרע בארץ הוא ע"י שמתחלה מתבטל מהות הזרע ונעשה בחי' אין רק שנשאר כחו בכח הצומח וע"י"ז אח"כ נעשה הגידול נפלא יותר מהיש שהי' [שהיה] תחלה כו'.

و [این مانند] روییدن غله از دانه‌ای است که در زمین کاشته شده؛ این رویش از آنجا پدید می‌آید که نخست ماهیت دانه به خودنفی‌گری می‌رسد و به مرتبه هیچ بدل می‌شود، جز آنکه نیروی آن در نیروی رویاننده باقی می‌ماند؛ و به واسطه این، رشد بعدی شگفت‌انگیزتر از آن موجودی می‌شود که در آغاز بود و جز آن.

نمونه، دانه است: دانه باید نخست در خاک بیوسد و صورت خود را از دست بدهد، و تنها نیروی روییدن آن باقی بماند؛ تنها پس از آن است که چیزی می‌روید که بسیار فراتر از دانه‌ای است که در آغاز بود.

ועד"ז עליי [עלייה] יצירה בבריאה צ"ל תחלה בבחינת בטול ואין והוא בחי' כתר דיצירה כו' וזהו ענין אשר שם שמות בארץ^{92,93} בחי' אחד חרוץ⁹⁴

و به همین ترتیب، صعود عالم صورت‌بخشی به عالم آفرینش نیز باید نخست در مرتبه خودنفی‌گری و هیچ‌بودن صورت گیرد؛ و این همان مرتبه تاج عالم صورت‌بخشی است و جز آن. و این همان معنای «آن‌که ویرانی‌ها را در زمین نهاده است» است؛ مرتبه «و یکی [از هزار سال] ویران خواهد بود».

به همین‌سان، عالم صورت‌بخشی تنها از راه خودنفی‌گری، که تاج آن است، می‌تواند به عالم آفرینش صعود کند. همین ایده «آن‌که ویرانی‌ها را در زمین نهاده است» و آموزش حکیمان را توضیح می‌دهد که از هفت‌هزار سال جهان، یکی «ویران» خواهد بود: زمانی از هیچ‌بودن، پیش از رسیدن به مرتبه‌ای برتر.

ומה שהוא בבחי' אלף השביעי ולא בבחי' עשירית היינו כי היכל ק"ק [קדש הקדשים] שהוא היכל השביעי כולל ג"ר [ג' ראשונות] אבל עיקר העלי' [העלייה] ע"י הכתר כו'. וע"ד זה יש עליות אין קץ.

ו اینکه این مرتبه در حدّ هزارهٔ هفتم است، نه در حدّ یکدهم، از آن روست که تالارِ قدس‌الاقדاس (היכל, Heichal)، که هفتمین היכל است، سه مرتبهٔ نخست [از مراتبِ تجلی (ספירות, Sefiros)] را دربرمی‌گیرد؛ اما عروجِ اصلی از طریقِ تاج (כתר, Keser) است و الی آخر. و به همین ترتیب، عروج‌ها بی‌پایان‌اند.

اما چرا این مرتبه، هزارهٔ هفتم است – یعنی یک هفتم – و نه یک دهم، چنانکه در عشر دادن یکدهم داده می‌شود؟ زیرا تالارِ هفتم، قدس‌الاقداس، سه مرتبهٔ نخستِ ספירות را در خود دارد؛ بالین‌همه، عروجِ اصلی از طریقِ כתר است. این الگو، یعنی خودنفی‌گری و سپس عروج، بی‌پایان تکرار می‌شود.

ומ"ש עשר אפשרנו ב' עשורין היינו כי הכתר כלול מב' פרצופין עתיק וא"א כו' שהוא בחי' תחתונה שבמאציל ושרש הנאצלים כו' וב' בחי' אלו יחד נק' חומש כמ"ש ונתתם חמישית לפרעה^{95,96} כמ"ש במ"א):⁹⁷

و اینکه گفته شده است: «عشر خواهم داد، آن را عشر خواهم داد» – دو عشر – از آن روست که כתר از دو پیکربندی (פרצופין, partzufim)، یعنی کهن‌الایام (עתיק, Atik) و چهرهٔ دراز (אריך אנפין, Arich Anpin)، و غیره، تشکیل شده است؛ כתר پایین‌ترین مرتبه در مبدأ افاضه و ریشهٔ موجوداتِ صادرشده است و غیره. این دو مرتبه در کنار هم «یک‌پنجم» نامیده می‌شوند، چنانکه آمده است: «و یک‌پنجم به فرعون بدهید»، چنانکه در جای دیگر توضیح داده شده است.

تکرارِ «عشر، عشر» به معنای دو عشر است، زیرا כתר از دو پیکربندی ساخته شده است: کهن‌الایام (עתיק, Atik؛ عתיק יומי؛ «کهن‌الایام»، مرتبهٔ درونی آن) و چهرهٔ دراز (אריך אנפין؛ «چهرهٔ دراز»، مرتبهٔ بیرونی آن). כתר پایین‌ترین مرتبهٔ مبدأ افاضه، یعنی خودِ ה'، و ریشهٔ همهٔ موجوداتی است که او افاضه می‌کند. دو دهم یک‌پنجم می‌شود؛ از همین رو تورات از دادنِ «یک‌پنجم به فرعون» سخن می‌گوید.

در کار بندگی

مطالعه تورات باید فرود آوردن حکمت خود ה' در نفس آدمی باشد؛ این کار باید با خودنهی گری (خودنهی گری، **ביטול**, bittul) و با نیروی «چه» (**כח מה**, koach mah) انجام شود، و با همان هیبتی که در سینا احساس می شد؛ زیرا در برابر نور بی پایان چیزی پنهان نیست. گرمای تن و نفس حیوانی (**נפש הבהמית**, Nefesh HaBahamis)، که مطالعه را خودمحور می کند، چیزی نیست که باید از آن گریخت؛ باید آن را دگرگون کرد و حاران را به سرود بدل ساخت. و هر گامی به سوی بالا با **ביטול** آغاز می شود؛ تنها با آنکه آدمی نخست، همچون دانه ای در خاک، خود را «هیچ» بداند، می تواند به مرتبه ای بالاتر صعود کند.

پرسش هایی برای گفت و گو

1. چرا مامار می گوید حروف و سنگ ها، درست از آن رو که بی جان اند، بیش از هر چیز دیگری قابلیت برکشیده شدن دارند؟ این مطلب چه ارتباطی با تصویر دایره دارد؟
2. میان پرتوی نور الهی که عوالم را پایدار می سازد و نور بی پایان در «ذات و شکوه خود» چه تفاوتی هست، و یعقوب چگونه میان این دو پیوند برقرار می کند؟
3. بر اساس مامار، آدمی چگونه می تواند در مطالعه معمول تورات، هیبت سینا را احساس کند؟
4. چرا یعقوب اصلاً باید به حاران فرود آید؟ دگرگون شدن حاران به رنا درباره تبعید و کشمکش شخصی چه می آموزد؟
5. در آینده از چه نظر ה' به «الوهیم» بدل خواهد شد، و چرا هر صعود آینده به یک «عشر» نیاز دارد؟

یادداشت‌ها

بند 1

1 ביאור על הנ"ל

یادداشت می‌گوید که در آنجا نسخهٔ تقریر (הנחה, hanachah) این گفتار از میטלر ربهٔ چاپ شده است؛ روایتی موازی از همان گفتار.

یادداشت کھوت

הנחת כ"ק אדמו"ר האמצעי נדפס בסה"מ תקס"ח ע' תרלד. המאמר בקיצור בבזך 2057 נה, א — הכת"י דומה לגוכתי"ק מהרי"ל [?] אחי כ"ק אדה"ז [או שהוא כתי"ק מהצ"צ שכתב בצעירותו] — בשינויים. אוה"ת ויצא כרך 2 תתכד, ב נמצא הגהות (כנראה שהם הגהות וביאורים לכאן). לקמן ק', א מציין לד"ה זה.

بند 2

2 یادداشت Kehot برای این عبارت به Genesis 28:22 ارجاع می‌دهد.

Genesis 28:22 בראשית כ"ח:כ"ב

וְהָאֵבֶן הַזֶּה אֲשֶׁר־שָׁמַתִּי מַצְבֵּה יְהוָה בֵּית אֱלֹקִים וְכָל אֲשֶׁר תִּמְוִלִּי עֶשֶׂר אַעֲשֶׂרְנוּ לָךְ:

and this stone, which I have set up for a pillar, shall be G-d's house; and of all that Thou shalt give me I will surely give the 'tenth unto Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

3 והיה הוי"ה לי לאלקים והאבן הזאת אשר שמתי מצבה יהיה בית אלקים

נזר یعقوب (יעקב) برای ה' در بیت‌ال، پس از رؤیای نردبان، هنگامی که راهی حاران می‌شود: اگر ה' او را حفظ کند و او به سلامت بازگردد، «نام چهارحرفی (ה', Havayah) برای من نام אלקים (אלקים, Elokim) خواهد بود»، و سنگی را که برپا کرده است خانه‌ای برای ה' خواهد بود. در معنای ساده، این عهدی است؛ اما מאמר (maamar) عبارت «ה' برای من همچون אלקים خواهد بود» را درخواستِ فرودآمدنِ ה' تا مرتبةٔ אלקים می‌خواند، و اینکه آن سنگ به جایگاهی برای الوهیت بدل شود.

Genesis 28:21–22 بראשית כ"ח:כ"א-כ"ב

וְשָׁבַתִּי בְשָׁלוֹם אֶל־בֵּית אָבִי וְהָיָה ה' לִי לֵאלֹקִים: וְהָאֵבֶן הַזֶּה אֲשֶׁר־שָׁמַתִּי מַצְבֵּה יְהוָה בֵּית אֱלֹקִים וְכָל אֲשֶׁר תִּמְוִלִּי עֶשֶׂר אַעֲשֶׂרְנוּ לָךְ:

so that I come back to my father's house in peace, then shall the L-RD be my G-d, and this stone, which I have set up for a pillar, shall be G-d's house; and of all that Thou shalt give me 'I will surely give the tenth unto Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

4 שו"ה אלקים — וכדי להבין

یک نسخهٔ خطی، این بخش را به‌کلی ندارد و در عوض چنین می‌خواند: «معلوم است که حروف، سنگ‌ها نامیده می‌شوند؛ چنان‌که در ספר יצירה آمده است.»

یادداشت کھوت

עד כב, א שו"ה והיינו — כמ"ש בס"י — ליתא בבזך 2057 ושם: הנה נודע שהאותיות נק' אבנים: כמ"ש בס"י.

5 ויצא יעקב

آغاز پاراشا، رفتن یعقوب از بئرשبع به حاران است. מאמר سراسر این سفر

را نزولی هدفمند خواهد خواند.

Genesis 28:10 בראשית כ"ח:י'

וַיֵּצֵא יַעֲקֹב מִבְּעַר שֶׁבַע וַיֵּלֶךְ תְּרַנָּה:

And Jacob went out from Beer-sheba, and went toward Haran.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

6 צוה ישועות יעקב

پسران قورح (קרח) به אלקים می‌گویند: «تو پادشاه منی، ای اלקים؛ نجات‌های یعقوب را فرمان بده؛ که در ظاهر، درخواستی است که او برای اسرائیل پیروزی‌هایی مقرر کند. آلتز ربه (אדמו"ר הזקן) ואזו ישועות (yeshuos) [نجات‌ها] را حاوي ש"ע می‌خواند: 270 انوار برین که از طریق یعقوب آشکار می‌شوند؛ ازاین‌رو، مرتبةٔ خودِ یعقوب «نجات‌ها» است.

Psalms 44:5 תהילים מ"ד:ה'

אֲתָה־הוּא מֶלְכִּי אֱלֹקִים צוּה יְשׁוּעוֹת יַעֲקֹב:

Thou art my King, O G-d; command the salvation of Jacob

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

תהלים מד, ה.

7 ש"ע נהורין

یادداشت به معمری متأخر دربارهٔ 270 نور اشاره می‌کند که در آن، برای این مفهوم به עץ חיים و Shemoneh She'arim ارجاع داده شده است.

یادداشت کھوت

ראה בסה"מ תרל"ב ח"ב ע' תסד שמציין לספר ע"ח ושמונה שערים.

8 וישע ה' אל הבל

«و ה' به هابیل (הבל) و پیشکش او روی آورد»: ה' پیشکش هابیل را با نظر لطف پذیرفت، نه پیشکش قابیل (קין) را. حروف ש"ע در اینجا به معنای روی‌آوردند؛ بنابراین ישועות نیز به روی‌آوردن‌ها و جریان‌های الهی‌ای اشاره دارد که از طریق یعقوب می‌آیند.

Genesis 4:4 בראשית ד':ד'

וְהָבֵל הָבִיא גִּם־הוּא מִבְּכֹרוֹת צֹאנוּ וּמִחֻלְבָּקֵן וַיֵּשַׁע ה' אֶל־הָבֵל וְאֶל־מִנְחָתוֹ:

And Abel, he also brought of the firstlings of his flock and of the fat thereof. And the L-RD had respect unto Abel and to his offering

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית ד, ד. ראה בסה"מ אדה"א בראשית ע' רפא שמבאר תי' וישע — ישועות.

بند 3

9 מלכות מלכות כ"ע

در دعای אשרי (Ashrei, אשרי)، داوود (דוד) ה' را می‌ستاید و به‌روشنی می‌گوید: «فرمانروایی تو فرمانروایی همهٔ ابدیت‌ها (עולמים, olamim) است.» این מאמר (maamar, עולמים) را به معنای «عالم» می‌گیرد: ه'

פ"ד מט"ז. וראה גם לקמן ל', א. ג, א. ג, ב. לקו"ת במדבר ח, ב.

14 וכתפארת אדם לשבת בית

ברגرفته אז תושיב אשעיה (ישעיהו) אז בתי תראשדהשדה «המגון זיבאי מרד, תא דר خانه‌ای سکونت گزیند». آلتز רبه (אדמו"ר הזקן) تنها تصویر سکونت شخص در خانه را وام می‌گیرد تا سکونت عقل در حروف را توصیف کند.

Isaiah 44:13 ישעיהו מ"ד:י"ג

חרש עצים נטה קו ותארהו בשדר יעשהו במקצעות ובמחוגה ותארהו ויעשהו כתבנית איש כתפארת אדם לשבת בית:

The carpenter stretcheth out a line; He marketh it out with a pencil; He fitteth it with planes, And he marketh it out with the compasses, And maketh it after the figure of a man, According to the beauty of a man, to dwell in the house

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יادداشت كهوت

ישע"י מ"ד, יג.

15 ועוד טעם אחר

نسخه‌ای خطی چنین ضبط کرده است: بنا بر یادداشت، این واژه‌ها در نسخه 2057 وجود ندارند.

يادداشت كهوت

ת"י אלו ליתא בבד 2057.

16 בדי"ה להבין בתוס' ביאור ענין וייצר

آن بخش، «برای فهمیدن، با توضیحی افزوده دربارهٔ "و ה'، الوهیم، انسان را صورت داد"، چهار نوع آفرینش (بی‌جان، گیاهی، حیوانی و گویا) را با نفس تطبیق می‌دهد: حروف «بی‌جان» نفس‌اند، زیرا رشد نمی‌کنند؛ حال آنکه عواطف از عقل «رشد» می‌کنند. در عوالم بالا، ملخوت مرتبهٔ بی‌جان است. این همان معنایی است که در اینجا حروف در قیاس با عقل «بی‌جان» خوانده می‌شوند.

يادداشت كهوت

לעיל ד, א.

17 אות הוא בצבא די"ה

تلمود نام צבאות (Tzevakos) را چنین تفسیر می‌کند: «او نشانه‌ای در میان سپاه خود است.» **מאמר** واژهٔ «حرف» (אות, os) را به معنای حرف می‌گیرد: همهٔ سپاهیان در برابر **ה'** همچون یک حرف‌اند.

Chagigah 16a:3-4 חגיגה ט"ז א:ג-ד'

וריש לקיש אמר: "ה' צבאות שמו" — אדון הוא בצבא שלו. ורבי חייא בר אבא אמר רבי יוחנן: "לא ברוח ה' ואחר הרוח רעש לא ברעש ה'. ואחר הרעש אש לא באש ה' ואחר האש קול דממה דקה", "והנה ה' עובר".

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

يادداشت كهوت

ראה חגיגה טז, א.

18 אלף אלפין وربא רבבן

دانیال (דניאל) رؤیای شبانه‌اش را از کهن‌سال روزگار توصیف می‌کند که بر تخت نشسته بود: «هزاران هزار» در خدمت او بودند و «ده‌هزار بار ده‌هزار» در برابرش ایستاده بودند. **מאמר** این آیه را نقل می‌کند تا نشان

از طریق فرمانروایی‌اش، یعنی فرمانروایی (ملכות, Malchus)، با همهٔ عوالم ارتباط دارد؛ فرمانروایی‌ای که تنها پرتوی از نور اوست.

Psalms 145:13 תהילים קמ"ה:י"ג

מלכותך מלכות כל-עלמים וממשלתך בכל-דור ודור:

Thy kingdom is a kingdom for all ages, And Thy dominion endureth throughout all generations

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

10 יעקב יו"ד עקב

maamar پیشین دربارهٔ همین آیات توضیح می‌دهد که یعقوب، «یود - پاشنه» است: فرودآوردن حکمت برین (חכמה **עילאה**, Chochmah Il'a'ah)، یعنی یود، تا پایین‌ترین مرتبه، حتی تا مرتبهٔ «پاشنه‌ها»؛ یادداشت Kehot منابع این برداشت را در همان‌جا ذکر می‌کند. سپس عبارت «و یعقوب از بن‌رشیع بیرون رفت و به‌سوی حاران روانه شد» را به‌معنای این فرودآوردن از والاترین مرتبه به پایین‌ترین مرتبه می‌گیرد؛ همان‌گونه که این maamar توضیح خواهد داد.

يادداشت كهوت

נסמן לעיל בא, א. באוה"ת שם נוסף "כי יעקב בריח התיכון, ודהע"ה אמר פנה אלי וחנני דהיינו לבחי' מל', והיינו ע"י יעקב ת"ת".

11 سرایندهٔ مزامیر همهٔ آفریدگان را فرا می‌خواند تا نام **ה'** را بستانند: «زیرا نام او به‌تنهایی رفعت یافته است؛ شکوهش بر زمین و آسمان است.» آلتز ربه (אדמו"ר הזקן) عبارت «و فروغش» را می‌افزاید: آنچه بر زمین و آسمان است تنها پرتوی کم‌فروغ است، حال آن‌که خود او فراتر از آن‌ها رفعت دارد.

Psalms 148:13 תהילים קמ"ח:י"ג

יהללו את-שם ה' כיי-שגב שמו לבדו הודו עלי-ארץ ושמים:

Let them praise the name of the L-RD, For His name alone is exalted; His glory is above the earth and heaven

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

4 بند

12 یعقوب (יעקב) پس از ترک بن‌رشیع (באר שבע)، شب را در «آن مکان» می‌گذراند؛ از سنگ‌های آن برمی‌دارد و پیش از خواب، آن‌ها را کنار سرش می‌گذارد. این گفتار حسیدی (מאמר, maamar) سنگ‌ها را حروفی می‌داند که به بالاترین مرتبه ارتقا یافته‌اند.

Genesis 28:11 בראשית כ"ח:יא

ויקנע במקום וילן שם כיי-א השמש ויקח מאבני המקום וישם מראשתי וישב במקום ההוא:

And he lighted upon the place, and tarried there all night, because the sun was set; and he took one of the stones of the place, and put it under his head, and lay down in that place to sleep

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

13 כמ"ש בס"י שני אבנים

در مالمار حنوکا، «چنین می‌گوید **ה'** **צבאות**: اگر در راه‌های من گام بردارید» (30a-b)، فرشتگان و نفوس «ایستاده» خوانده می‌شوند، زیرا از حروف پدید می‌آیند و حروف «بی‌جان»‌اند؛ چنان‌که سفر یصیرا می‌گوید: «دو سنگ می‌سازند». حروف در برابر عقلی که آن‌ها را هدایت می‌کند، در حالت خودنفی‌گری‌اند. در 50a (שמות)، سنگ همان حروف است که از یعقوب، یعنی «**יוד עקב**» (yud-akev)، دریافت می‌کنند؛ در 56b (וי'را)، ترکیب‌های حروف «خانه‌هایی» هستند که شهری را تشکیل می‌دهند.

يادداشت كهوت

(סובב כל עלמין, sovev kol almin) بهره می‌گیرد؛ دایره‌ای که در آن پایین‌ترین به بالاترین می‌رسد.

Sefer Yetzirah 1:7 ספר יצירה א':ז

עשר ספירות בלי מה נעוץ סופן בתחלתן ותחלתן בסופן כשלהבת קשורה בגחלת שאדון יחיד ואין לו שני ולפני אחד מה אתה סופר:

The decade of existence out of nothing has its end linked to its beginning and its beginning linked to its end, just as the flame is wedded to the live coal; because the L-rd is one and there is not a second one, and before one what wilt thou ?count

Sefer Yetzirah, Warsaw 1884 (Public Domain) • Sefer Yezirah, trans. by Isidor Kalisch. New York, 1877 (Public Domain)

23 ומתחת זרועות עולם

מוסי (משה) در آخرین برکت خود به اسرائیل می‌گوید: «ה' ازلی مسکن است, و در زیر, بازوان جاودان (זרועות עולם, zero'os olam) هستند.» روشن است که **عולם** (olam) به معنای «جاودان» است؛ **מאמר** آیه را چنین می‌خواند که بالاترین نیرو, **סובב כל עלמין**, درست «در زیر» یافت می‌شود, چنان‌که در یک دایره.

Deuteronomy 33:27 דברים ל"ג:כ"ז

מְעֵנָה אֱלֹהֵי קֶדֶם וּמִתַּחַת זְרֻעֹת עוֹלָם וַיִּגְרֶשׁ מִפְּנֵיהֶם אוֹיֵב וַיֹּאמֶר הַשֵּׁמֶד:

The eternal G-d is a dwelling-place, And underneath are the everlasting arms; And He thrust out the enemy from before thee, And said: 'Destroy

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

دברים لگ, כז.

بند 6

24

يعقوب (يعقوب) از «سنگ‌های آن مکان» برگرفت. حرف اضافه «از» چنین تفسیر می‌شود که می‌آموزد تنها یک حرف, یعنی یود (י"ד, yud), توان بالا برده‌شدن دارد.

Genesis 28:11 בראשית כ"ח:יא

וַיִּקְעַב בַּמָּקוֹם וַיֵּלֶן שָׁם כִּי־בָא הַשָּׁמֶשׁ וַיִּקַּח מֵאֲבְנֵי הַמָּקוֹם וַיִּשָּׂם מִרְאשָׁתוֹ וַיִּשְׁכַּב בַּמָּקוֹם הַהוּא:

And he lighted upon the place, and tarried there all night, because the sun was set; and he took one of the stones of the place, and put it under his head, and lay down in that place to sleep

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

25 הוי' בחכמה

سليمان (שלמה) می‌آموزد که «نام چهارحرفی (ה', Havayah) زمین را با حکمت (חכמה, Chochmah) بنیاد نهاد». این آیه برای نشان‌دادن این نکته نقل شده است که نام او, نور او, در **חכמה** جای دارد.

Proverbs 3:19 משלי ג:י"ט

ה' בְּחִכְמָה יִסְדָּֽאֶרֶץ כּוֹנֵן שָׁמַיִם בְּתִבְבוּהָ:

The L-RD by wisdom founded the earth; By understanding He established the heavens

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

26 ועמ"ש . . בענין אבא למשקל דא י'

یادداشت خواننده را برای توضیح عبارت رعیا مهمنا, «سنگی برای سنجیدن با آن: این یود است», که خود متن به آن اشاره می‌کند, به اینجا ارجاع

دهد که حتی سپاهیان عظیم آسمانی نیز در برابر نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) وجودی مستقل ندارند.

Daniel 7:10 דניאל ז':י'

נְהַר דִּי־נּוֹר נִגַּד וְנִפְקַח מִן־קִדְמוֹהֵי אֱלֹהִי אֲלֵפִין יִשְׁמְשׁוּנָה וְרַבְּבָן קִדְמוֹהֵי יְקוּמוֹן דִּינָא יִתְבּ וְסִפְרִין פְּתִיחוּ:

A fiery stream issued And came forth from before him; thousand thousands ministered unto him, And ten thousand times ten thousand stood before him; The judgment was set, And the books were opened

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

19 ולגדודיו אין מספר

بلد (بلدد) در پاسخ به ایوب (ایوب) می‌پرسد: «آیا برای سپاهیان او عددی هست؟» سپاهیان آسمانی ه' از شمار بیرون‌اند. **מאמר** به این سخن اشاره می‌کند تا نشان دهد که حتی این‌ها نیز در برابر او محدودند.

Job 25:3 איוב כ"ה:ג'

הֲיֵשׁ מִסְפָּר לְגִדּוּדָיו וְעַל־מִי לֹא־יִקּוֹם אוֹרְהוּ:

Is there any number of His armies? And upon whom doth not His light arise

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

20 וכודוע ענין הערך במספר

یادداشت می‌گوید اور هتوراه می‌پرسد این تمثیل چگونه می‌تواند درست باشد, زیرا حتی حروف آفریننده ده گفتار نیز در برابر حکمت برین «بی‌جان»‌اند و فاصله میان آفریدگان و بی‌نهایت مطلق بی‌نهایت بیش از فاصله حروف و عقل است. پاسخ در همان‌جا آمده است.

یادداشت کھوت

ראה באוה"ת בראשית כרך 2 תתכד, ב, שצ"ע דאף המהוה הנבראים שהוא אותיות דע"מ הם דומים לגבי חכמה עילאה, וכש"כ הנבראים מהאותיות כו', וא"כ איך דימה ביטול הנברא לא"ס ב"ה כמו ביטול האותיות לגבי השכל דהרי אין ערוך יותר לאין קץ, וראה שם התירוץ, ומציין לעיין בתו"ח ויצא כג, ג ואילך.

بند 5

21 וישם מראשותיו

«و آن‌ها را در بالای سر خود نهاد.» این عبارت را چنین می‌خواند که حروف را به مرتبه‌ای فراتر از همه عوالم بالا ببرد.

Genesis 28:11 בראשית כ"ח:יא

וַיִּקְעַב בַּמָּקוֹם וַיֵּלֶן שָׁם כִּי־בָא הַשָּׁמֶשׁ וַיִּקַּח מֵאֲבְנֵי הַמָּקוֹם וַיִּשָּׂם מִרְאשָׁתוֹ וַיִּשְׁכַּב בַּמָּקוֹם הַהוּא:

And he lighted upon the place, and tarried there all night, because the sun was set; and he took one of the stones of the place, and put it under his head, and lay down in that place to sleep

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

22 נעוץ תחלתן בסופן

ספר יצירה (Sefer Yetzirah) درباره‌ی ده مرتبه از مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) می‌گوید: «پایان‌شان در آغازشان فرو رفته و آغازشان در پایان‌شان», همچون شعله‌ای که به زغال پیوسته است. این **מאמר** (maamar) از این آموزه برای دایره‌ی نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد

מי دهد.

יادداشت כהות

ראה ביאורו"ל להצ"צ כרך א ע' רפא.

27 וישם אותה מצבה

יעקוב سنگ را به صورت ستون برپا کرد. این را صعودی دوم می خوانند: از مرتبة יו"ד به مرتبة ואו (ויו, vav).

Genesis 28:18 בראשית כ"ח:י"ח

וַיִּשָּׁם יַעֲקֹב בַּבֹּקֶר וַיָּקָח אֶת־הָאֶבֶן אֲשֶׁר־שָׁם מִרְאשֵׁתָיו וַיִּשָּׁם אֹתָהּ מִצְבֵּה וַיִּצֹק שָׁמֶן עַל־רֹאשָׁהּ:

And Jacob rose up early in the morning, and took the stone that he had put under his head, and set it up for a pillar, and poured oil upon the top of it.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

28 ושוי יתה קמא

اونکلوس (اونקלוס) عبارت «و آن را به صورت ستون برپا کرد» را چنین ترجمه می کند: «آن را ایستاده نهاد (קמא, kama)»; اما این را به سخن یوسف (یوسف). «خوشه من برخاست (קמה, kamah)». پیوند می دهد: سنگ به صورت راست قامت برافراشته شد.

Onkelos Genesis 28:18 ترجمه اونکلوس על בראשית כ"ח:י"ח

וְאֶקְדִּים יַעֲקֹב בַּצֶּקְרָא וְנָסִיב יֵת אֶבְנָא דִּי שְׁוִי אֶסְדּוּהִי וְשׁוִי יֵתָה קָמָא וְאֶרִיךְ מִשְׁחָא עַל רִישָׁהּ:

Sifsei Chachomim Chumash, Metsudah Publications, 2009 (CC-BY-NC)

29 והגביה אותה עוד ממטה למעלה

گفتاری متأخر که یادداشت ۶۵ آن این بالابردن سنگ از پایین به بالا را بیشتر بررسی می کند.

یادداشت کاهوت

ראה ד"ה אתה אחד תשל"ב (סה"מ מלוקט ח"א) הערה 65.

30 לבחי ומקורות . . בחי' יודי"ן ווי"ן

آن بند سیزده تیکونیم ریش را به صورت یودها و واوها توضیح می دهد: یود، نوری است که زیر پوست منقبض شده و تنها از راه فولیکول بیرون می آید؛ و واو، امتداد مو است. آبا (אבא, Abba: پدر) از مزالي هشتم (מזל, mazal), نوتیز (נוצר, Notzer), می گیرد.

یادداشت کاهوت

ראה לקמן מח, ד. מובא באוה"ת בראשית שעד, א. ובד"ה למען דעת תרס"ט ע' מה. رאה גם לקו"ת פ' נצבים נג, א "שהשערות הן בחי' ווי"ן והאור שבתוך השערה הוא בחי' יו"ד כמ"ש בלק"ת [=להאריז"ל] ר"פ תולדות".

31 בחי' יודי"ן ווי"ן

یک نسخه خطی این توضیح را می افزاید که یودها و واوها تابش های برین از «نیستی» برین اند که از راه نیروی تغذیه خود دریافت می کنند؛ و تارهای مو به سبب جایگاه تغذیه شان یودها و واوها هستند.

یادداشت کاهوت

בבזך 284 קלז, ב נוסף: לפי שהן הארות עליונים מאין עליונים דרך יניקתם כו' כמ"ש במ"א והשערות הן בחי' יודי"ן ווי"ן: כי מקום יניקתם. באוה"ת שה"ש ע' רכה ובהמשך תרס"ו ע' תי מביא זה בשם לקו"ת להאריז"ל פ' תולדות דשער הוא אותיות עשר שהוא בחי' י' ואח"כ נעשית וי"ו.

32 וישבו אל ה' וירחמהו

اشعيا (ישעיהו) از شریر می خواهد راه خود را ترک کند: «به ה' بازگرد، و او بر وی رحمت خواهد آورد». این آیه برای صعود نفس به کار می رود؛

صعودی که رحمت را از سیزده صفت فرومی کشد.

Isaiah 55:7 ישעיהו נ"ה:ז

יַעֲזֹב רָשָׁע דְּרָכּוֹ וְאִישׁ אָוֶן מִחֻשְׁבָּתָיו וְיָשָׁב אֶל־ה' וִירְחֲמֵהוּ וְאֶל־אֱלֹהֵינוּ כִּי־יִרְכָּה לְסִלּוֹחַ:

Let the wicked forsake his way, And the man of iniquity his thoughts; And let him return unto the L-RD, and He will have compassion upon him, And to our G-d, for He will abundantly pardon

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

33 קמה אלמתי

یوسف به برادرانش خواب خود را می گوید: «خوشه من برخاست و نیز راست ایستاد؛ و خوشه های آنان در برابر آن خم شدند. maamar از ریشه مشترک این واژه ها استفاده می کند تا نشان دهد که ستون همان سنگی است که از حالت خوابیده به حالت ایستاده برافراشته شد.

Genesis 37:7 بראשית ל"ז:ז

וַהֲנֵה אֶנְחֵנוּ מֵאֲלֻמִּים אֲלֻמִּים בְּתוֹךְ הַשָּׂדֶה וַהֲנֵה קָמָה אֲלֻמֵּי וְגַם־נִצְבָּה וַהֲנֵה תִסְבִּינָה אֲלֻמִּתִּיכֶם וְתִשְׁתַּחֲוֶינָה לְאֲלֻמִּתִּי:

for, behold, we were binding sheaves in the field, and, lo, my sheaf arose, and also stood upright; and, behold, your 'sheaves came round about, and bowed down to my sheaf

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کاهوت

בראשית לז, ז.

8 بند

34 כי היודי"ן שבת"ד הוא גבוה מהו"ו . . מהשערות עצמן שהן בחי'

י'

یادداشت می گوید نکته بالاتربودن یودهای ترتیبات از واوها، یعنی خود موها، در آنجا توضیح داده شده است.

یادداشت کاهوت

מבואר בד"ה כל המאריך באחד תרע"ח ע' שפח.

9 بند

35 אבא יונק ממזלא

زوهار (זוהר) حکمت برین (חכמה, Chochmah: אבא, Abba) را چنین توصیف می کند که جریان خود را از מזל (מזל, mazal, مجرای فیض) ریش برین می گیرد. این شرح نشان می دهد که حرف واو (ו, vav) در תיקונים (תיקונים, tikkunim [اصلاحات]) از حرف یוד (י, yud) حکمت بالاتر است.

Zohar III, 289b זח"ג רפט, ב

یادداشت کاهوت

ראה זח"ג رפט, ב. ע"ת שער הכללים פ"ה. رאה לקמן מח, ד. ובכ"מ.

36 ויצק שמן על ראשה

يعقوب (יעקב) بر سر ستون روغن ریخت. این را باید جریانی از ذهن پنهان به سوی مجاری فیض (مזלות, mazalos) و سپس به سوی احکام تورات دانست.

Genesis 28:18 بראשית כ"ח:י"ח

וַיִּשָּׁם יַעֲקֹב בַּבֹּקֶר וַיָּקָח אֶת־הָאֶבֶן אֲשֶׁר־שָׁם מִרְאשֵׁתָיו וַיִּשָּׁם אֹתָהּ מִצְבֵּה וַיִּצֹק שָׁמֶן עַל־רֹאשָׁהּ:

and the other small, or two fields, one large and the other small,[And he sold one of them], If the buyer says, "I bought ... the large

Torat Emet 357 (Public Domain) • Mishnah Yomit by Dr. Joshua Kulp (CC-BY)

40 שו"ה כו' גילוי — שכל פרטי . . חכמה עילאה

اختلاف نسخه‌ای: بنا بر یادداشت، این عبارت‌ها در آن نسخه نیامده‌اند.
یادداشت كهوت
בבז 633 ליתא.

41 בהררי קדש

پسران قورح (קרח) دربارهٔ صهیون می‌سرایند: «بنیادش در کوه‌های مقدس است.» این عبارت در اینجا بر احکام تورا تطبیق داده شده است؛ احکامی که بنیادشان حکمت برین (חכמה) است.

Psalms 87:1 תהילים פ"ז:א'

לְבִנְי־קֶרַח מִזְמוֹר שִׁיר יְסוּדָתוֹ בְּהַר־יִקְדָּשׁ:

A Psalm of the sons of Korah; a Song. His foundation is in the holy mountains

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 11

42 מה להלן באימה וביראה אף כאן באימה

گمارا (גמרא) تعلیم می‌دهد که تورات باید همان‌گونه مطالعه شود که در سینا داده شد: «همان‌گونه که آنجا با هراس، هیبت، لرزش و رعشه بود، اینجا نیز چنین باشد.» این מאמר (maamar) از این گفته نتیجه می‌گیرد که همهٔ مطالعهٔ تورات باید هیبت سینا را با خود داشته باشد.

Brakhot 22a:4 ברכות כ"ב א:ד'

דַּתְנִינָא: "וְהוֹדַעְתֶּם לְבְנֵי וְלִבְנֵי בְנֵיךָ", וְכַתִּיב בְּתַרְיָה "יוֹם אֲשֶׁר עָמַדְתָּ לְפָנַי ה' אֱלֹהֶיךָ בְּחֹרֵב", מַה לְהֵלֹךְ בְּאִימָה וּבִירְאָה וּבְרִתָּהּ וּבְזִיעַ, אֵף כָּאן בְּאִימָה וּבִירְאָה וּבְרִתָּהּ וּבְזִיעַ.

for there is a teaching: "Thou shalt make them known unto thy children and thy children's children" (Deut. iv. 9) and it continues, "The day that thou stoodest before the L-rd thy G-d in Horeb" (Deut. iv. 10) — as [the Israelites stood at Horeb] with dread and fear aod trembling and shaking, so here [when teaching Torah] must it be with dread and fear and trembling and shaking

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC) • Tractate Berakot by A. Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

بند 12

43 ראו את הקולות

یادداشت Kehot برای این عبارت به Exodus 20:18 ارجاع می‌دهد.

Exodus 20:18 שמות כ':י"ח

וַיַּעַמְדוּ הָעָם מֵרָחֵק וּמֹשֶׁה גָּשָׁה אֶל־הַעָרָפֶל אֲשֶׁר־שָׁם הָאֱלֹהִים:

And the people stood afar off; but Moses drew near unto the thick darkness where G-d was

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

שמות כ, יח.

And Jacob rose up early in the morning, and took the stone that he had put under his head, and set it up for a pillar, and poured oil upon the top of it

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

37 סלסלה ותרוממה

سليمان (שלמה) پسرش را ترغیب می‌کند که حکمت را گرامی بدارد: «او را بلندمرتبه ساز، و او تو را رفعت خواهد بخشید.» اینجا این سخن دربارهٔ احکام تورات شفاهی گفته شده است که ریشه در رشته‌های ذهنی پنهان دارند؛ סְלֶסְלָה (סלסלה, [او را بلندمرتبه ساز]) به پیچاندن مو، یعنی סלסול (סلسול, silsul [پیچاندن])، اشاره دارد.

Proverbs 4:8 משלי ד':ח'

סְלֶסְלָה וְתִרְוִמָּמָה תַּכְבִּידְךָ כִּי תַחֲבֹנְנָהּ:

Extol her, and she will exalt thee; She will bring thee to honour, when thou dost embrace her

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

משלי ד, ח.

بند 10

38 ויקם עדות ביעקב

آساف (אסף) بازگو می‌کند که ה' «در یعقوب (יעקوب) گواهی برقرار ساخت و در اسرائیل (ישראל) توراتی نهاد» و به پدران فرمان داد آن را به فرزندان‌شان بیاموزند. این نقل‌قول برای پیوند دادن فرودآوردن حکمت تورا با یعقوب آورده شده است.

Psalms 78:5 תהילים ע"ח:ה'

וַיִּקָּם עֵדוּת בַּיַּעֲקֹב וְתוֹרָה שָׁם בְּיִשְׂרָאֵל אֲשֶׁר צִוָּה אֶת־אֲבוֹתֵינוּ לְהוֹדִיעֶם לְבְנֵיהֶם:

For He established a testimony in Jacob, And appointed a law in Israel, Which He commanded our fathers, That they should make them known to their children

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

תהילים עח, ה.

39 המחליף פרה בחמור

מישנא (משנה) دربارهٔ کسی حکم می‌کند که گاوی را با الاغی معاوضه کرده و گاو زاییده است: گوساله از آن کیست؟ این מאמר (maamar) آن را نمونه‌ای از حکمی دربارهٔ مادی‌ترین امور می‌گیرد که با این همه حکمت برین (חכמה, Chochmah) را آشکار می‌کند.

Mishnah Bava Metzia 8:4 משנה בבא מציעא ח':ד'

הַמַּחֲלִיף פֶּרָה בַּחֲמוֹר וְיָלְדָה, וְכֵן הַמּוֹכֵר שִׁפְחָתוֹ וְיָלְדָה, זֶה אוֹמֵר עַד שְׁלֹא מָכַרְתִּי, וְזֶה אוֹמֵר מִשְׁלַקְחָתִי, יִחַלְקוּ. הֵיוּ לוֹ שְׁנֵי עֲבָדִים, אֶחָד גָּדוֹל וְאֶחָד קָטָן, וְכֵן שְׁתֵּי שָׂדוֹת, אַחַת גְּדוֹלָה וְאַחַת קְטָנָה, הַלּוֹקֵחַ אוֹמֵר גָּדוֹל לַקְּחָתִי, וְהֵלָה אוֹמֵר אֵינִי יוֹדֵעַ, זָכָה בְּגָדוֹל. הַמּוֹכֵר אוֹמֵר קָטָן מָכַרְתִּי, וְהֵלָה אוֹמֵר אֵינִי יוֹדֵעַ, אֵין לוֹ אֵלָּא קָטָן. זֶה אוֹמֵר גָּדוֹל וְזֶה אוֹמֵר קָטָן, יִשְׁבַּע הַמּוֹכֵר שֶׁהִקְטָן מָכַר. זֶה אוֹמֵר אֵינִי יוֹדֵעַ וְזֶה אוֹמֵר אֵינִי יוֹדֵעַ, יִחַלְקוּ:

If one swapped a cow for a donkey, and it gave birth, So too if one sold his slave and she gave birth, [And] one (the seller) says, "It was born before I sold her", and the other (the buyer) says, "It was born after I bought her", they shall divide [the value of what was born]. If one had two slaves, one large

44 כל העם ראו את הקולות ואת הלפידים

הנגמ דאדי תורא, «המֶה קומ סדאָה ו שַׁלְהָהּ רָא דִּידַנְדָּהּ» ו קוה דר דוד
פרו רفته بود, و آنان لرزیدند. این توصیف تجلّی آشکاری است که هیبت
پدید آورد.

Exodus 20:15 שמות כ':ט"ו

וְכָל־הָעָם רָאִים אֶת־הַקּוֹלוֹת וְאֶת־הַלְפִידִם וְאֵת קוֹל הַשֹּׁפָר וְאֶת־הַקָּהָר עֲשֵׂן
וַיֵּרָא הָעָם וַיִּנְגְּעוּ וַיַּעֲמָדוּ מֵרָחֹק:

And all the people perceived the thunderings, and the light-
nings, and the voice of the horn, and the mountain smoking;
and when the people saw it, they trembled, and stood afar
off.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

45 פנים בפנים

מוסי (משה) בה אסראליל יאדאורי מיכנד: «רו דר רו, נאם چهارحرفی (ה',
Havayah) בר קוה, אז میان آتش, با شما سخن گفت.» אֲתֵר רִבִּי (אדמו"ר
הזקן) אין רָא בָּא «יִנְהַנְשֵׁדֵן כְּהַר» מַקְיִסֶה מִיִּכְנֵד; אִמְרִי כֶּה דר מורד נור
ביִיאָן (אור אין סוף, Or Ein Sof) דר תורא סדק נמיכנד.

Deuteronomy 5:4 דברים ה':ד'

פָּנִים בְּפָנִים דָּבַר ה' עִמָּכֶם בְּהָר מִתּוֹךְ הָאֵשׁ:

The L-RD spoke with you face to face in the mount out of the
—midst of the fire

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יادداشت כהות

דברים ה, ד.

46 כחשיכה כאורה

דאווּד (דוד) בה ה' מיִגוֹיד כֶּה דר בראַר או תאריכִי תאריכִי נִיסֵּת: «תאריכִי
הַמְּכּוֹן נור אַסֵּת.» אין עבארַת בראַר נִשָּׁן־דאדי אַן בֶּה־כאר מיִרוד כֶּה בראַר
אור אין סוף, כֶּה־נִסְנוּי ו מַדִּי, סִינָא ו אִמְרוּז, יִכְסָן־אנֵד.

Psalms 139:12 תהילים קל"ט:י"ב

גַּם־חֹשֶׁךְ לֹא־יִחְשֹׁךְ מִמֶּךָ וְלִלְכָה כִּי־וַיֵּרָא בְּחֹשֶׁכָה כְּאוֹרֶה:

Even the darkness is not too dark for Thee, But the night
shineth as the day; The darkness is even as the light

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

בנד 13

47 שו"ה ירידת יעקב — הש"ע נהורין בגילוי למטה וליקח מאבני המקום

יִכְנִישׁ־בִּדְל דִּסֵּת־נִוּיס כִּנִּינִן מִיִּכְנִישׁ: «אַשְׁכַּרְשְׁדִּי 270 נור דר פאיינ,
ו ברגרִפִּתִּי סִנְג־הַי אַן מִכָּן.»

יادداشت כהות

בבֹּךְ 633: "גִּילּוּי ש"ע נהרין למטה ולקחת מאבני המקום.

48 ויצא יעקב מבאר שבע וילך חרנה

יַעֲקֹב (יַעֲקֹב) אז בִּרְשִׁיעַ (באר שבע) בִּירוֹן רִפִּת ו בה סוּי חאראַן (חרן)
רואנֶה שֵׁד. אין רָא מִיִּתּוֹן בֶּה־מִּנְזֶלֶה נִזּוֹל אז סרְכְּשֶׁמֶה סִפִּאֵת פּוֹקָנִי בֶּה
מִכָּנִי חואנֶד כֶּה כִּרְיָן דר אַן מִסְדּוּד אַסֵּת.

Genesis 28:10 בראשית כ"ח:י'

וַיֵּצֵא יַעֲקֹב מִבְּאֵר שֶׁבַע וַיֵּלֶךְ תְּרַנְה:

And Jacob went out from Beer-sheba, and went toward
Haran.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

49 שו"ה מבאר — שבע באר הוא מקור ומעיין הנובע ז' מדות

דר יִכְנִישׁ־בִּדְל דִּסֵּת־נִוּיס, וַאֲזֶה «שֶׁבַע» חִדֵּף שֵׁדֶה ו אַדַּמֶּה כִּנִּינִן
אַסֵּת: «בִּרְ, חִכְמַת־בִּרְתִּי, כְּשֶׁמֶה ו סרְכְּשֶׁמֶה חִפִּת סִפִּת אַסֵּת.»

יادداشت כהות

בבֹּךְ 633 תי"י "שֶׁבַע" לִיתָא שֵׁם וַאֲחִיכ כ' "באר הוא חכ"ע מעיין ומקור
שֶׁבַע מִדּוֹת."

50 לך ה' הגדולה והגבורה

דאווּד (דוד) דר בראַר תַּמַּם כְּמַאֲת, ה' רָא מִתְּבָרַךְ מִיִּכְנִישׁ: «אז אַן תּוֹסֵת,
נאם כֶּה־חִרְפִּי (ה', Havayah): עֲזַמּוּת ו תּוֹאנִנְדִּי, זִיבִיאִי, בִּירוּזִי ו
שְׁכוּה.» דר נִגָּה חִסִּידוֹת (Chassidus), אין פֶּה־רִסֵּת בֶּה חִפִּת סִפִּת
פּוֹקָנִי אִשָּׁרֶה דאֵד כֶּה חִמְקִי «אז אַן תּוֹ» חִסִּסֵּת ו סרָאִי דר בראַר ה' דר
חֵלֶת חֹדְנִפִּי־גִרִּי־אנֵד.

I Chronicles 29:11 דברי הימים א כ"ט:י"א

לֶךְ ה' הַגְּדֹלָה וְהַגְּבוּרָה וְהַתְּפָאֶרֶת וְהַנִּצָּח וְהַהוֹד כִּי־לֹכַל בְּשִׁמְיִם וּבְקָרְיָן לֶךְ
ה' הַמְּמָלְכָה וְהַמְתְּנִשָּׂא לְכָל לְרֹאשׁ:

Thine, O L-RD, is the greatness, and the power, and the glo-
ry, and the victory, and the majesty; for all that is in the
heaven and in the earth is Thine; Thine is the kingdom, O
L-RD, and Thou art exalted as head above all

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

51 שו"ה הגדולה — חר"ן (ע"ה) בגימט' גר"ן

יִכְנִישׁ־בִּדְל דִּסֵּת־נִוּיס כִּנִּינִן מִיִּכְנִישׁ: «חאראַן, בָּא אַחְסָאֵן קִלִּל, אז
נִזְרִי עֲדִדִי בראַר בָּא גִרּוֹן אַסֵּת.»

יادداشت כהות

בבֹּךְ 633 חר"ן בגימט' ע"ה הכולל גרון.

52 כשהקול יוצא כדרכו

שִׁרְחַח Tzemach Tzedek בִּרְ תִּזִּיל אין וַאֲזֶה־הָא בֶּה בִּחְשִׁי אז
זֶה־ר דר וַאֲרָא (25b) אִשָּׁרֶה מִיִּכְנֵד כֶּה דר אַן אז מִשָּׁה בֶּה־עֲנוּן «סִדָּא» סִחְן
רִפִּתֶה אַסֵּת.

יادداشت כהות

בִּיהֵל אור לקאפ' קמט ע' תקפו מציין ע"ז: ע' זח"ב פ' וַאֲרָא דכ"ה ע"ב משה
קלא.

53 חרן אותיות נחר

דר אַנְגָּא Alter Rebbe אז לִקּוּשִׁי תּוֹרָה אֲרִיזָל (אַגָּזִי וַיֵּצֵא) נִקּוּל מִיִּכְנֵד כֶּה
גִּרּוֹן (גלו) ו חאראַן יִכְ מִנָּא דאֵרֵנֵד, זִיבִר אִרְזִיש עֲדִדִּי־שָׁן יִכִּי אַסֵּת: גִּלו
תִּנְגְּרִיתִין מוֹזַע ו «כּוֹכְכִי» זֶה־נִּשׁ: אַחְכָּאֵם ו סִחְת־גִּירִי־הָא אז כִּנִּינִן
כּוֹכְכִי־אִי פִּדִּידִי מִיִּכְנֵד: אַז־אִי־רו חאראַן אז גִּלו נָשִׁי מִיִּכְנֵד.

יادداشت כהות

לִקְמֹן נַח, ג מִצִּיִּין לִקּוּשִׁי לִהֲאִרִיזִיל ר"פ וַיֵּצֵא שִׁנְהִימֶם בִּגִּמְטְרִיא אַחֲת.
וּבִאוּה"ת בִּרְאשִׁית כֶּרֶךְ א קֶעֶז, א מִצִּיִּין לִלְקוּשִׁי פ' וַיֵּשֶׁב ע"פ וַיְהִי אַחֲר
הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה, וְכִי־הָאֻה"ת וַאֲרָא ע' קֶעֶז. לִמָּה שִׁנְתַּבְּאֵר כֶּאֱן רִאֵה אַוְה"ת
וַאֲרָא ע' קֶעֶז. סִה"מ תרל"ב כֶּרֶךְ ב ע' תַּצָּא. תרל"ג כֶּרֶךְ א ע' לֹא וַאֲיִלְךָ. יֵהֵל
אור ע' תִּקְפוֹ.

54 יגעתו בקראי

דאווּד אז דִּל רִנְגַּח חֹד פִּרְיָד מִיִּכְנֵד: «אז פִּרְיָד זֶדֶן חִסְתֶּה שֵׁדֶה־מִּ; גִּלוּי מִן
חִשְׁךְ שֵׁדֶה אַסֵּת.» וַאֲזֶה נַחֵר (nichar) חִרּוֹפִי חאראַן רָא דאֵד ו גִּלוּי־
מִסְדּוּד רָא וִסְפִּי מִיִּכְנֵד.

Psalms 69:4 תהילים ס"ט:ד'

יִגְעַתִּי בְּקִרְאֵי נַחֵר גִּרּוֹנִי כִּלּוּ עֵינֵי מִיִּחַל לְאַלְקִי:

בבד 633 נוסף ולא בבחי' ביטול לאו"ס ב"ה.

61 כמ"ש בזהר ע"פ גער חית קנה

در یک اختلافی نسخه خطی، به جای **זהר** درباره این آیه، آمده است: «چنانکه در Idra Rabba آمده است.»
 یادداشت کھوت
 פ' פנחס רנא, ב. בבד 1824: כמ"ש באד"ר.

62 גער חית קנה

در سرود داوود، درخواستی آمده است که **ה'** «جانور نیزارها را توبیخ کند»؛ نیرویی خصمانه. **זוהار (זהר)** واژه **חית** (chayas؛ جانور) را به حرف **ח** (ches) می‌خواند؛ این حرف «توبیخ» می‌شود و ازاین‌رو به **ה** (hei) بدل می‌گردد.

Psalms 68:31 תהילים ס"ח:ל"א

גער חית קנה עזת אבירים בעגלי עמים מתרפס ברצי יכסף בזר עמים קרבות יתפצו:

Rebuke the wild beast of the reeds, The multitude of the bulls, with the calves of the peoples, Every one submitting himself with pieces of silver; He hath scattered the peoples that delight in war

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

63 כמ"ש בזהר ע"פ גער חית קנה שמחמץ נעשה מצה

זוהار در پاراشای פינחס (**פינחס**) توضیح می‌دهد که با شکستن حرف **چ** (**ח**), **חמץ** (chametz؛ خمیر تخمیرشده) به **מצה** (matzah؛ نان فطیر) بدل می‌شود. آئیز **רפה** (**אדמו"ר הזקן**) همین دگرگونی حرف را برای تبدیل **حاران** (**חרן**, Charan) به **رینا** (**רנה**, rinah؛ سرود) به کار می‌گیرد.

Zohar, Pinchas 105:727–106:740 ספר זוהר, פנחס ק"ה:תשכ"ז-ק"ו:תש"מ

بند 15

64 ושבתי בשלום

نذر یعقوب (**יעקב**) برای بازگشت به سلامت به خانه پدرش. این سخن به‌منزله بازگشت از حاران (**חרן**) به مرتبه اسحاق (**יצחק**), یعنی «خنده»، خوانده می‌شود.

Genesis 28:21 בראשית כ"ח:כ"א

ושבתי בשלום אלי-בית אבי וקה ה' לי לאלקים:

so that I come back to my father's house in peace, then shall the L-RD be my G-d

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית כח, כא.

65 צחק עשה לי

سخنان سارا (**שרה**) هنگام تولد اسحاق: «**אלקים** برای من خنده آفریده است؛ هر که بشنود، برای من خواهد خندید.» خاستگاه نام اسحاق و نیز صیغه آینده «خواهد خندید».

Genesis 21:6 בראשית כ"א:ו

ותאמר שרה צחק עשה לי אלקים פלי-השמע יצחק-לי:

And Sarah said: 'G-d hath made laughter for me; every one that heareth will laugh on account of me'

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית כא, ו.

I am weary of my crying; my throat is dried; Mine eyes fail while I wait for my G-d

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

תהלים סט, ד.

55 כשגובר בו יסוד האש

مواضعی که در آن‌ها غلبه عنصر آتش در صدا بیشتر بررسی شده است.

یادداشت کھوت

ראה אוה"ת וארא ע' קנח. במדבר ע' כג.

بند 14

56 המפסיק את הקול

در شرح تسماع تسدک (**הצמח צדק**) بر Tehillim (תהלים), درباره عبارت «آنچه صدا را قطع می‌کند»، برای قطع شدن صدا به **זהر** بر **וארא** (26a) ارجاع داده شده است.

یادداشت کھوت

ביהל אור שם: וע' זהר שם דכ"ו תחלת ע"א.

57 נאלמתי דומי'

داوود (**דוד**), که در برابر شریبران سخنانش را باز می‌دارد، می‌گوید: «در سکوت خاموش ماندم.» این عبارت برای توصیف حالتی به کار می‌رود که در آن «صدا» الهی، یعنی جریان نور، قطع می‌شود.

Psalms 39:3 תהילים ל"ט:ג

נאלמתי דומיה הקשיתי משוב וכאבי נעקר:

I was dumb with silence; I held my peace, had no comfort; and my pain was held in check

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

תהלים לט, ג.

58 ובין בכל נפש . . אשר נמשך אחריהם

عبارت مربوط به مطالعه تورا هر یهودی که به سبب گرمای بدن و نفس حیوانی در حالت جدایی است، در آنجا نقل شده است.

یادداشت کھوت

מובא באוה"ת במדבר ע' כד.

59 לבیرא עמיקתא

تصویر گمارا (**גמرا**). «از بامی بلند به گودالی ژرف»، برای سقوط از بلندترین مرتبه به پایین‌ترین ژرفا به کار می‌رود. در اینجا، این تصویر نزول یعقوب (**יעקب**) از بن‌رشع به حاران را وصف می‌کند.

Chagigah 5b:16–17 חגיגה ה' ב:ט"ז-י"ז

רבי יהוה קטי ספר קינות וקא קרי בגייה, כי מטא להאי פסוקא "השליך משמים ארץ" — נפל מן ידיה, אמר: מאיגרא רם לבירא עמיקתא. רבי ורבי חייא הוו שקלי ואזלי באורחא, כי מטו לההוא מתא, אמרי: איבא צורבא מרבנן הקא? זיל וניקביל אפיה. אמרי: איבא צורבא מרבנן הקא, ומאור עינינן הוא. אמר לקה רבי חייא לרבי: תיב את, לא תזלזל בגשיאותך. איזיל אגא ואקביל אפיה.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

60 שו"ה מקום החרן — להיות בחי' נפרד

یک اختلافی نسخه خطی چنین می‌افزاید: «و نه در حالت خودنقگی نسبت به نور بی‌پایان، متبارک باد او.»

یادداشت کھوت

ה' از طریق صنفیا (צפניה) وعده می‌دهد: «آن‌گاه زبان روشنی را به مردمان بازخواهم گرداند، تا همگان نام چهارحرفی (ה', Havayah) را بخوانند.» این گفتار (ماامار, maamar) «بازخواهم گرداند» (אהפוך, ehpoch) را به‌منزلهٔ دگرگونی (אתהפכא, is'hapcha) می‌خواند؛ دگرگونی‌ای که خنده را به‌بار می‌آورد.

Zephaniah 3:9 צפניה ג' ט'

כִּי־אָהֳפֹךְ אֶל־עַמִּים שָׁפָה בְּרוּרָה לְקֹרֵא כָלֶם בְּשֵׁם ה' לַעֲבֹדוֹ שָׂקֶם אֶחָד:

For then will I turn to the peoples A pure language, That they may all call upon the name of the L-RD, To serve Him with one consent

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 16

ما مَرَّ بِپیشین توضیح می‌دهد که بازگشت، صفاً بآتشین را به سوی ه' باز می‌گرداند و در بالا لذتی عظیم پدید می‌آورد، همانند لذتی که از پرنده‌ای سخنگو حاصل می‌شود؛ حاران را به سرود شادی بدل می‌کند، همان‌گونه که نان خمیرمایه‌دار به نان فطیر بدل می‌شود. این لذت در آینده، هنگامی که روح ناپاکی برداشته شود، آشکار خواهد شد.

یادداشت کهوت

ראה לעיל כא, ג.

תלמוד می‌آموزد که اگر اسرائیل به بازگشت (תשובה, teshuvah) روی آورند، رهایی می‌یابند. در اینجا نشان داده می‌شود که رهایی با دگرگونی پیوند دارد.

Sanhedrin 97b:14-15 סנהדרין צ"ז ב: י"ד-ט"ו

אמר רב: כלו קל הקיצין, ואין הדבר תלוי אלא בתשובה ומעשים טובים. ושמואל אומר: דיו לאכל שיעמוד באבלו. כתנאי: רבי אליעזר אומר: אם ישראל עושין תשובה – נגאלין, ואם לאו – אין נגאלין. אמר לו רבי יהושע: אם אין עושין תשובה אין נגאלין? אלא הקדוש ברוך הוא מעמיד להן מלך שגזירותיו קשות כקמן, וישראל עושין תשובה ומחזירין למושב. תנא אידך: רבי אליעזר אומר, אם ישראל עושין תשובה – נגאלין, שנאמר: "שובו ..."

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

یادداشت کهوت

סנהדרין צז, ב.

תלמוד نقل می‌کند که در آینده، اسرائیل به اسحاق (יצחק) خواهد گفت: «تو پدر ما هستی.» אֱלֹתֵינוּ רַבֵּה (אדמו"ר הזקן) این سخن را هدف همهٔ نزول‌ها می‌داند: شادی اسحاق.

Shabbat 89b:2 שבת פ"ט ב'ב'

מנין שקושרין לשון של זהורית וכו'. "כשנים?" "כשנים" מיבעי לקה! אמר רבי יצחק, אמר להם הקדוש ברוך הוא לישראל: אם יהיו חטאיכם כשנים הללו שסדורות ונאות מששת ימי בראשית ועד עכשיו – כשנגל לבנינו. דרש רבא, מאי דקתיב: "לכו נא ונזקקה יאמר ה'" – "לכו נא" "בואו נא" מיבעי לקה! "יאמר ה'" "אמר ה'" מיבעי לקה! לעתיד לבא יאמר להם הקדוש ברוך הוא לישראל: לכו נא אצל אבותיכם ויזכחו אתכם.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

یادداشت کهوت

ראה שבת פט, ב.

درخواست پیامبر از ه': «زیرا تو پدر ما هستی؛ زیرا ابراهیم (آברהם) ما را شناخت.» تلمود می‌گوید که اسرائیل در آینده این سخن را نخست به اسحاق خواهد گفت.

Isaiah 63:16 ישעיהו ס"ג:ט"ז

כִּי־אַתָּה אָבִינוּ כִּי אֲבֹרָהֵם לֹא יָדָעֵנוּ וַיִּשְׂרָאֵל לֹא יִכְיֶרְנוּ אֹתָהּ ה' אָבִינוּ גִּאֲלֵנוּ מֵעוֹלָם שְׁמִי:

For Thou art our Father; for Abraham knoweth us not, and Israel doth not acknowledge us; Thou, O L-RD, art our Father, Our Redeemer from everlasting is Thy name

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 17

بیلداد دربارهٔ ه' می‌گوید: «فرمانروایی و هیبت با اوست؛ او در بلندی‌های صلح برقرار می‌کند.» مدراش و زهار (זהר) این عبارت را به صلح میان فرشتگان آب و آتش تفسیر می‌کنند.

Job 25:2 איוב כ"ה:ב'

הַמֶּשֶׁל וְפַחַד עִמּוֹ עֹשֶׂה שְׁלֹם בְּמִרְמִיּוֹ:

Dominion and fear are with Him; He maketh peace in His high places

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

Bamidbar Rabbah 12:5 במדבר רבה י"ב:ה'

Zohar III, 12b זח"ג יב, ב

یادداشت کهوت

איוב כה, ב. במד"ר יב, ה. זח"ג יב, ב. וראה ביאורו"ז ר"פ לך לך.

یادداشت Kehot به جایی ارجاع می‌دهد که این موضوع در آنجا بیشتر توضیح داده شده است: Or HaTorah.

یادداشت کهوت

באוה"ת צו ע' כב נוסף: וגבריאל.

ה' وعده می‌دهد: «صلح، صلح برای دور و برای نزدیک.» ماامار عبارت «برای دور» را نقل می‌کند و می‌افزاید: «که نزدیک می‌شود؛ یعنی صلحی که آن‌کس را که دور بوده نزدیک می‌کند.»

Isaiah 57:19 ישעיהו נ"ז:י"ט

בּוֹרָא יֵיב שְׁפָתַיִם שְׁלֹם שְׁלֹם לְרִחֹק וְלִקְרֹב אָמַר ה' וּרְפָאתָיו:

Peace, peace, to him that is far off and to him that is near, Saith the L-RD that createth the fruit of the lips; And I will heal him

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کهوت

ישע'י נז, יט.

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت کهوت

שם נוסף היינו: ב'.

Hark, thy watchmen! they lift up the voice, Together do they sing; For they shall see, eye to eye, The L-RD returning to Zion.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יבדאשט קהוט

ישעיה נב, י. מ, ה. ב, יט.

80 ובאו במערות צורים ובמחילות עפר מפני פחד ה'

אשעיה پیشگوی می کند که مردم به غارها خواهند رفت، «از برابر هرایس ه' و شکوه جلال او، هنگامی که برمی خیزد تا زمین را بلرزاند.» آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) این آیه را برای بیان نیروی سهمگین آشکارشدن آینده نقل می کند.

Isaiah 2:19 ישעיהו ב:י"ט

ובאו במערות צורים ובמחילות עפר מפני פחד ה' ומקדר גאווו בקומו לערץ הערץ:

And men shall go into the caves of the rocks, And into the holes of the earth, From before the terror of the L-RD, And from the glory of His majesty, When He ariseth to shake mightily the earth.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 19

81 וכחשיכה כאורה

«تاریکی همچون روشنایی است» در پیشگاه ه'. این تعبیر برای نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) به کار رفته است؛ نوری که در برابر آن، بالا و پایین برابرنند.

Psalms 139:12 תהילים קל"ט:י"ב

גם־חשך לא־יחשיך ממך ולילה כיום יאיר כחשיכה כאורה:

Even the darkness is not too dark for Thee, But the night shineth as the day; The darkness is even as the light

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 20

82 והאבן הזאת אשר שמתי מצבה

«و این سنگی که آن را به صورت ستون برپا کرده ام، خانهٔ اَلקים خواهد بود.» این گفتار (ماמר, maamar) اکنون توضیح می دهد که چگونه سنگ برپاشده به سکونتگاهی برای حضور الهی بدل می شود.

Genesis 28:22 בראשית כ"ח:כ"ב

והאבן הזאת אשר־שמתי מצבה יהיה בית אלקים וכל אשר תתן־לי עשר אעשרנו לך:

and this stone, which I have set up for a pillar, shall be G-d's house; and of all that Thou shalt give me I will surely give the 'tenth unto Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 21

83 צוה ישועות יעקב

«رهایی های یعقوب (יעקب) را فرمان ده.» یادآوری از آغاز ماמר (maamar): به واسطهٔ یعقوب، ۳۷۰ نور آشکار می شوند.

Psalms 44:5 תהילים מ"ד:ה'

אתה־הוא מלכי אלקים צוה ישועות יעקב:

75 אך כיצד . . כמ"ש במ"א

تمام این بخش دربارهٔ صلح در آنجا نقل شده است؛ یادداشت ها ثبت می کنند که در آنجا عبارت «میان میکائیل و جبرئیل» آمده و نیز «beshalom: دو، یعنی» ذکر شده است.

יבדאשט קהוט

מובא באוה"ת פ' צו ע' כב.

بند 18

76 ואת רוח הטומאה

ה' از زبان زکریا (זכריה) وعده می دهد که در آن روز بت ها و «روح ناپاکی را از زمین» بخواهد داشت: پیشگویی آینده ای که در آن شر دیگر جای پایی نخواهد داشت.

Zechariah 13:2 זכריה י"ג:ב'

והיה כיום ההוא נאם ה' צבאות אכרית את־שמות העצבים מן־הערץ ולא יזכרו עוד וגם את־הנביאים ואת־רוח הטמאה אשביר מן־הערץ:

And it shall come to pass in that day, Saith the L-RD of hosts, That I will cut off the names of the idols out of the land, And they shall no more be remembered; And also I will cause the prophets And the unclean spirit to pass out of the land

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יבדאשט קהוט

זכריה י"ג, ב.

77 כי שמש ומגן ה' אלקים

پسران قورح (قرح) می سرایند: « زیرا ه' اَلקים خورشید و سیر است.» نام چهارحرفی (ה', Havayah) نور است، همچون خورشید، و نام اَلקים (אלקים, Elokim) سیری است که آن را می پوشاند.

Psalms 84:12 תהילים פ"ד:י"ב

כי שמש ומגן ה' אלקים תן וכבוד ותן ה' לא ימנע־טוב להלכים בתמים:

For the L-RD G-d is a sun and a shield; the L-RD giveth grace and glory; No good thing will He withhold from them that walk uprightly

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יבדאשט קהוט

תהלים פד, יב.

78 וראו כל بشر

«شکوه ه' آشکار خواهد شد و همهٔ بشر با هم خواهند دید»: آشکارشدن آیندهٔ شکوه ه' برای چشم جسمانی.

Isaiah 40:5 ישעיהו מ':ה'

ונגלה כבוד ה' וראו כל־בשר יחדו כי פי ה' דבר:

And the glory of the L-RD shall be revealed, and all flesh shall see it together; for the mouth of the L-RD hath spoken 'it

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

79 עין בעין יראו . . וראו כל بشر . . ובאו במערות צורים

اشعیا (ישعיהو) می گوید که دیدبانان صهیون خواهند سرایید، زیرا «چشم در چشم خواهند دید» که ه' به صهیون باز می گردد: آشکارشدن آشکار ه' در آینده.

Isaiah 52:8 ישעיהו נ"ב:ח'

קול צפנה נשאו קול יחדו ויגנו כי עין בעין יראו בשוב ה' ציון:

.Thou art my King, O G-d; command the salvation of Jacob
Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

84 וכל אשר תתן לי

יעקוב נזר מי כנד که از هرآنچه **ה'** به او می‌دهد، یکدهم بدهد. فعل تکرار شده را به معنای یکدهم‌دادن‌های بی‌پایان می‌خوانند؛ یکی برای هر عروج آینده.

Genesis 28:22 בראשית כ"ח:כ"ב

והאבן הזאת אשר־שמתי מצבה יהיה בית אלקים וכל אשר תתן לי
עשר אעשרנו לך:

and this stone, which I have set up for a pillar, shall be G-d's house; and of all that Thou shalt give me I will surely give the
'tenth unto Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יادداشت كهوت

בראשית כח, כב.

85 צריך להיות נשאר . . נקי בחי מעשר

این مطلب را نقل می‌کند و می‌افزاید که گذار از «پشت‌به‌پشت» به «چهره‌به‌چهره» عروجی پس از عروجی دیگر است و به **אתערותא דלתא** از عروج نخست نیاز دارد: نقطه زیر **יסוד**، یعنی **כתר מלכות**. به گفته آن، این همان دهیک است.

יادداشت كهوت

מובא באוה"ת מגלת אסתר ע' פ ד"ה ויקח המן סעי' ב ומוסיף: "היינו עד"מ מבחי' אב"א לבוא לבחי' פב"פ זהו ודאי עילוי אחר עילוי, וצ"ל אתעדל"ת מעילוי הראשון והוא מה שנעשית בחי' נקודה תחת היסוד ונקודה זו זהו ענין כתר מלי' . . וזהו ענין המעשר".

بند 22

86 וכל אשר תתן לי

نذر یعقوب (יעקوب) برای آن‌که هرچه **ה'** به او می‌بخشد، یکدهمش را جدا کند. گفتار (ماמר, maamar) آن را اشاره به دهیک‌های بی‌پایان صعودهای آینده می‌داند.

Genesis 28:22 בראשית כ"ח:כ"ב

והאבן הזאת אשר־שמתי מצבה יהיה בית אלקים וכל אשר תתן לי
עשר אעשרנו לך:

and this stone, which I have set up for a pillar, shall be G-d's house; and of all that Thou shalt give me I will surely give the
'tenth unto Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

87 הכתר הוא הממוצע

یادداشت برای ایده تاج به‌عنوان میانجی میان عوالم به آن ارجاع داده است.

יادداشت كهوت

ע"ח שער מ"א פ"ג. ראה ביואה"ז להצ"צ כרך א ע' ערה. אגה"ק ס"כ (קל), (ב) ובליקוט פירושים חסריק שם. וראה בד"ה וילך תרס"ו ע' קסה ואילך. ובאוה"ת פ' יתרו ע' תתלט. ראה לעיל יט, ד.

88 הכתר הוא הממוצע בין עולם העליון לעולם התחתון

یادداشت Kehot این موضع را در اتس حاییم (עץ حיים), Sha'ar 41, chapter 3, برای تاج (כתר, Keser) به‌عنوان واسطه‌ای میان عالمی بالاتر و عالمی پایین‌تر ذکر می‌کند.

Sefer Etz Chaim 41:3 עץ חיים מ"א:ג'

89 כתר לי זעיר

اليهو (الیهوا) به ایوب (ایوب) می‌گوید: «کمی برای من درنگ کن (כתר, kaser), و من به تو نشان خواهم داد.» واژه kaser, به معنای «درنگ کن», کתר را با سکوت پیوند می‌دهد.

Job 36:2 ایوب ל"ו:ב'

כתר-לי זעיר ואכתוב כי עוד לאלוה מלים:

Suffer me a little, and I will tell thee; For there are yet words
on G-d's behalf

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

איוב לו, ב. באוה"ת ואתחנן ע' רפה, שבכתר יש ב' פי' לשון מקיף כתרו את בנימין, ולשון שתיקה כתר לי זעיר. ושניהם עולים בקנה אחד, כי הגה סייג לחכמה שתיקה סייג היינו גדר ומקיף, וזהו כתר לשון מקיף לחכמה והוא בחינת שתיקה, ע"ש. והם ב' הפירושים של רש"י והאבן עזרא. וראה ברמב"ן שם.

90 יונת אלם

عنوان یکی از مزامیر داوود (דוד): «بر كهوتی خاموش سرزمین‌های دور.» يادداشت Kehot به ليكوتی تורה (לקוטי תורה) استناد می‌کند که این عبارت در مقام ستایش گفته شده است؛ سکوت در اینجا بیانگر خوندنی‌گری (ביטול, bittul) است.

Psalms 56:1 תהילים נ"ו:א'

למנצח עלי־יונת אלם רחוקים לְדוד מקתם באחוֹ אוֹתוֹ פִּלְשִׁתִּים גִּת:

For the Leader; upon Jonath-elem-rehokim. [A Psalm] of
David; Michtam; when the Philistines took him in Gath

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

תהלים נו, א. וראה בלקו"ת במדבר ז, ג: "דלשבח קאמר".

91 בעזמדם תרפינה כנפיהן

در رؤیای حزقیال (یحזקאל)، هنگامی که موجودات زنده ایستادند، بال‌هایشان را فرود آوردند. این را سکوت **ביטול** می‌خوانند.

Ezekiel 1:24 יחזקאל א':כ"ד

ואשמע את־קול כנפיהם כקול מים רבים כקול־שדי בלבתם קול הַמְלָה
קול מַחֲנֶה בַּעֲמָדָם תְּרַפִּינָה כְּנָפֵיהֶן:

And when they went, I heard the noise of their wings like the
noise of great waters, like the voice of the Almighty, a noise
of tumult like the noise of a host; when they stood, they let
down their wings

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

יחזקאל א, כד. "בבחי' לחש וחשאי" — לקמן מ, ד.

92 אשר שם שמות בארץ

יادداشت Kehot برای این عبارت به Psalms 44:9 ارجاع می‌دهد.

Psalms 44:9 תהילים מ"ד:ט'

يادداشت كهوت

תהלים מד, ט.

93 אשר שם שמות בארץ

پسران قورح (قورح) ندا می‌دهند: «بیایید، کارهای ه' را بنگرید؛ همان که در زمین ویرانی‌ها پدید آورده است»؛ آنان کارهای عظیم ه' در جهان را می‌ستایند. **مأمر** آن را به هزار سالی پیوند می‌دهد که جهان در آن «ویران» است؛ مرحله‌ای از نیستی پیش از مرتبه‌ای برتر.

Psalms 46:9 תהילים מ"ו:ט

לכרתו מַפְעָלוֹת ה' אֱשֶׁר־שָׁם שְׁמוֹת בְּאֶרֶץ:

Come, behold the works of the L-RD, Who hath made desolations in the earth

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

94 וחד חרוב

راو کتینا (رب کتینا) می‌آموزد که جهان شش‌هزار سال وجود خواهد داشت و «یک [هزار] سال ویران» خواهد بود. **مأمر** آن هزاره هفتم ویران را **بیטול** می‌داند که پیش از صعودی برتر می‌آید.

Sanhedrin 97a:12 סנהדרין צ"ז א"ב

אמר רב קטינא: שית אלפי שני תוי עלמא, וחד חרוב, שנאמר: "ונשגב ה' לבדו ביום ההוא". אבני אמר: תרי חרוב, שנאמר: "ותיינו מימים ביום השלישי יקמנו ונקמה לקנו".

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

95 ונתתם חמישית לפרעה

ارجاعآٓٓ Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت كهوت

בראשית מז, מד.

96 ונתתם חמישית לפרעה

در زمان قحطی، یوسف (יוסף) به مصریان می‌گوید یک‌پنجم محصولشان را به فرعون (פרעה) بدهند. این گزارش از آن رو نقل شده که دو دهیک در مجموع یک‌پنجم می‌شود.

Genesis 47:24 בראשית מ"ז:כ"ד

והיה בתבואת ונתתם חמישית לפרעה וארבע הנות יהיה לכם לזרע השדה ולאכלכם ולאשר בבתיכם ולאכל לטפכם:

And it shall come to pass at the ingatherings, that ye shall give a fifth unto Pharaoh, and four parts shall be your own, for seed of the field, and for your food, and for them of your households, and for food for your little ones

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

97 (ובענין מ"ש . . כמ"ש במ"א)

در یک نسخه خطی، تمام این یادداشت درون پرانتز وجود ندارد.

یادداشت كهوت

בבוכ 1824 ליתא כל הקטע. בבוכ 17 יג, א נמצא קטע זה קודם ד"ה אך אין זה.



درباره این نسخه

.the notes و our explanations, the English translation, This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

.Our explanations, with the overview, the questions and the page for children: CC BY-NC 4.0

The notes: Kehot's marei mekomos ("Sources and References", including the Rebbe's notes) © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted; our notes on them: CC BY-NC 4.0.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA); The Holy Scriptures: A New Translation (JPS 1917) از طریق سفاریا: (Public Domain); William Davidson Edition - Vocalized Aramaic (CC-BY-NC); Sefer Yetzirah, Warsaw 1884 (Public Domain); Sefer Yezirah, trans. by Isidor Kalisch. New York, 1877 (Public Domain); Sifsei Chachomim Chumash, Metsudah Publications, 2009 (CC-BY-NC); Torat Emet 357 (Public Domain); Mishnah Yomit by Dr. Joshua Kulp (CC-BY); Tractate Berakot by A. Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانه لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/2/

تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لبوی بیتسحاق